هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

"اوباما" او" مکین" لخوا دکرزي دولت په ناکامۍ اعتراف څه ایجابوي؟
ص۲

رشد جمعیت و افزایش ناهنجاری ها
ص۶

آدرس مجاهد در اینترنت
www.mujahedweekly.com

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ نهم شنبه۲۹ سرطان ۱۳۸۷- ۱۵ رجب المرجب ۱٤۲۹ - 19, July 2008

آیندهٔ سیاسی آقای کرزی

▣ وحید مژده

باراک اوباما کاندیدای ریاست جمهوری امریکا از حزب دموکرات اخیراً در رابطه به افغانستان مطالب بدبینانه یی ابراز نموده است. اوباما گفته که حکومت حامدکرزی در افغانستان به کابل محدود است و در خارج از کابل مخالفین دولت وی حاکمند.

این سخنان اوباما اشاره به وضع نابسامان امنیتی در افغانستان دارد که حتی کابل نیز از آن در امان نیست. مسؤولان امنیتی که وظیفه دارند امنیت را برای شهروندان این کشور تأمین نمایند، فقط به فکر حفاظت از خودند و به این منظور راه های منتهی به مراکز خود را با موانع مسدود کرده اند. این عمل برای شهریان بخصوص در کابل مشکلات زیاد به وجود آورده است.

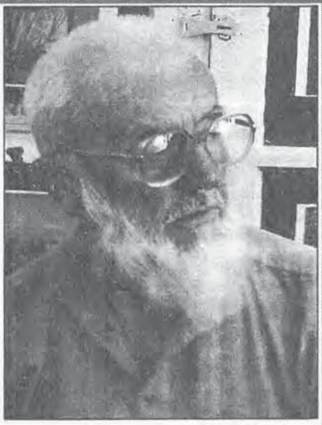
شاهراه کابل- قندهار- هرات در بسیاری از مناطق از کنترل دولت خارج است. کسانی که



این مسیر را عبور می کنند می گویند که طالبان تقریبا در همه جا توان بستن این راه دارند و در کنار

➢ حالا به نظر می رسد که سمت وزش باد عوض شده و آقای کرزی کم کم به پایان خط نزدیک می شود. جمعی از یاران سابق او که با دو تابعیت سال ها در مقام وزارت باقی ماندند اکنون که دانسته اند آقای کرزی در دورهٔ بعدی رئیس جمهور نخواهد بود، سعی دارند تا برای ماندن بر مسند وزارت با کاندیداهای دیگر در تماس شوند. این مسأله موجب خشم آقای کرزی گردید و اعلام نمود که دیگر وزرایی را که دو تابعیت دارند تحمل نخواهد کرد

جاده وسایط سوخته که برای نیروهای ائتلاف مواد انتقال می داد دیده می شود. در هجده ولایت ناامنی به شکل گسترده دیده می شود ودر بسیاری از این ولایات حاکمیت دولتی بشکل سمبولیک منحصر به مرکز ولایت است. **ادامه درص۵**



به بهانهٔ سومین سال وفات

یادی دیگر از دکتر توانا (رح)

سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

اشاره: مرحوم پوهاند دکتر سیدمحمد موسی توانا از شخصیت هایی بود که با برخورداری از جایگاه علمی در علوم اسلامی و نقش سازنده در بنیانگذاری نهضت اسلامی افغانستان، فقیرانه زیست و فقیرانه دنیای فانی را در دو سال پیش ترک گفت و فقیرانه از طرف ارادتمندانش به خاک سپاریده شد روحش شاد و یادش گرامی باد!

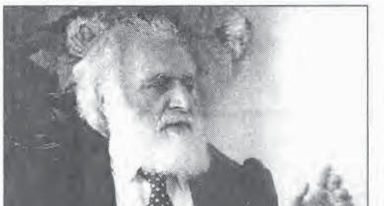
اینک به بهانهٔ دومین سالگرد وفات این شهسوار علم و مردانگی، خواستم بخشی از زندگی او را که در خاطر دارم به تصویر بکشم: بدون شک نقش شخصیت ها در جنبش ها و حرکت های فکری، اجتماعی وسیاسی امری است آفتابی و انکار ناپذیر، و حتی می توان در میان این گونه حرکت ها وشخصیت های مطرح وکلید در آن ها، رابطه و پیوند تداعی گرانه یی را لمس کرد که با نام بردن آنان، جنبش های مربوط به آنان نیز تداعی می گردند. **ادامه درص۷**

لوی سارنوال از وظیفه اش برکنار گردید

عبدالجبارثابت دادستان کل (لوی سارنوال) از وظیفه اش برکنار گردید، آقای ثابت بعد از آن از وظیفه اش برکنار گردید که خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد و وارد میدان مبارزه انتخاباتی شد.

آقای ثابت قبل از تصدی دادستانی کل سمت مشاورحقوقی وزارت امور داخله را به عهده داشت آقای ثابت در زمان تصدی دادستانی کل هنگامه های فراوانی بر پا کرد، اما آنچه را که او جهاد علیه فساد اداری اعلام کرده بود به جایی نرسید واکنون فساد اداری نسبت به سه سال قبل چند برابر افزایش یافته است.

آقای ثابت با با بستن اتهامات گوناگون به چهره های مطرح کشور خواست تا آن ها را به پای میز محاکمه بکشاند اما دراین برنامه اش نا موفق بود، برخورد با ژنرال دین محمد جرأت، ژنرال



عبدالرشید دوستم، حمله به تلویزیون خصوصی طلوع، برکناری فرماندهٔ پولیس میدان هوایی از مواردی بود که آقای ثابت در زمان تصدی دادستانی کل انجام داد.

آقای ثابت با یک غوغای تند وارد صحنه شد و بالاخره بدون کدام دست آوردی قابل ملاحظه از دادستانی کل افغانستان کنار زده شد. **ادامه درص۵**

حکمتیار و رویت بدون حضور در کابل

سخنی در بارهٔ جلسهٔ حزب اسلامی در کابل

ابوبکر سبزوار



شاخهٔ کابل حزب اسلامی فاقد وحدت لازم برای به میان آوردن یک تشکل منسجم است... بنابراین نمی توان انتظار داشت که حزب اسلامی در تحت سایهٔ این رهبری جدید در کابل بتواند طرحی در خور توجه در اندازد.

❋❋❋

این سخن از آنجا جالب بود که این گردهمایی در زیر خیمهٔ لویه جرگه تدویر یافته بود. جایی که در آن قانون اساسی جدیدی برای افغانستان به تصویب رسید که در آن دموکراسی به عنوان نظام قانونی برای افغانستان به رسمیت شناخته شد

بارک اوباما د امریکا ولسمشرۍ ته کاندید:

دطالبانودځکولو لپاره دوه لواء نوي امریکایي عسکرلیږم

په امریکا کې د دموکراتانو له ګوند څخه د هغه هیواد ولسمشرۍ ته کاندید (اوباما) ویلي چې دطالبانو د ځکولو په منظور به افغانستان ته د امریکایی عسکرو دوه نوې لوا ګانې ولیږي.

د رویترز آژانس د رپورټ له مخې اوباما وییلی چې: مونږباید د اسامه بن لادن اوطالبانو پرخلاف زیاتی هلی ځلی کړی واي او دهغوی د ځکولو لپاره موباید ډیرعسکرلیږلی واي څو په افغانستان کې له ریښتوني امنیت څخه ملاتړشوی واي.

نومړوی زیاته کړه د بوش اداري د دی پرځای چې دا کاريې انجام کړی واي، په عراق کی يې هغه جګړه پیل کړه چې لاژم نه وه او لامله يې په زرګونو امریکایی عسکر هلاک شول او هم نږدی یو تریلیون ډالر پری لګښت وشو.

هغه ویلي چې تر(۲۰۱۰) میلادی کال پورې به ټول امریکایی عسکر له عراق څخه وباسي او دهغې پرځای به دوه لواء نوي امریکایی عسکر افغانستان ته واستوي.



بحران حاکمیت وامنیت در افغانستان به کجا خواهد رفت؟

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

افغانستان در بدترین حالت سیاسی و نظامی خود قرار دارد،طبق گزارش پنتاگون ماه جولای امسال مرگبارترین،ماه برای سربازان امریکایی از زمان آغاز جنگ در این کشور می باشد. تداوم بحرا ن در جنوب و جنوب شرق کشور نگرانی بزرگی را به وجود آورده است و این فضای نامطمئن آرام آرام راه خود را به سوی شمال نیز باز کرده است. مدیریت ضعیف، ناکامی در برنامهٔ بازسازی، عدم پیشرفت در نظام عدلی و قضایی.......بسترهایی بوده است برای مخالفت در برابر دولت . اکنون بحران حاکمیت سیاسی در کل کشور در حال توسعه و گسترش می باشد. طوری که دیده می شود، امروز طالبان در جنوب کشور مسلطند، مکاتب دختران مسدود است، مردم ناگزیر اند به محاکم طالبان در جنوب مراجعه نمایند، نبود ظرفیت لازم، کمبود مدیریت سالم و عدم مسؤولیت رده های بالایی دولت در به وجود آوردن فضای سالم امنیتی، حاکمیت طالبان را در جنوب و جنوب شرق کشور قطعی ساخته است. از آغاز اداره مؤقت تاکنون یک ارادهٔ سیاسی در جهت ثبات سیاسی در کشور کمتر احساس گردیده است، کمرنگ بودن ارادهٔ سیاسی در افغانستان سر آغاز بحران امنیتی در کشور بوده می تواند. روحیه بیکارگی و ناتوانی چون موریانه بر ارکان این دولت ریشه دوانده است. بسیاری از مسؤولان دولت، بدون لیاقت و استعداد در مقاطع مختلف این حاکمیت بیمارو مریض بر کرسی های پردرآمد تکیه زده اند و این روال تاکنون ادامه داشته است. توزیع قدرت و ثروت در کشور نه تنها عادلانه نیست، بلکه در برخی از موارد تفاوت هایی نیز در زمینه های رفاه اجتماعی در میان ولایات مختلف کشور وجود داشته است، به عوض بازسازی و التیام زخم های مردمان خسته از جنگ، و مخالفت سازی در کشور رو به تزاید می باشد. تهاجم رویه نیروهای ائتلاف و ناتو در جبهات جنگ به بستر مخالفت در برابر دولت چهره جدید بخشیده است. مردم عامه افغانستان حتی کسانی که هیچ پیوند و علاقه یی به سیاست های دولت ندارند به این باورند که نیروهای ائتلاف نمی خواهند و یا هم نمی توانند امنیت را در یک پروژهٔ قصیرالمدت برای مردم افغانستان باز گردانند، زیرا هر قدر کشور در آتش جنگ و نفاق غوطه ورگردد و به همان تناسب حضور امریکایی ها و اروپایی ها در دراز مدت در این سرزمین به خاطر اهداف دراز مدت شان تضمین می گردد. گفته می شود که حضور نیروهای امریکایی و متحدانش پایان کار آنها در این منطقه نیست و این ساز و برگ نظامی آنها اهداف منطقه یی آن ها توجیه شده می تواند. در نتیجه یک چنین سیاست های گنگ و پیچیده دیده می شود که حیات مدنی مردم کشوربه جهنم قرن بیست یک تبدیل شده است . امروز تعدادی از ولایات کشور را در جنوب و شرق به سکوی پرواز مخالفانی افغانستانی و طالبان پاکستانی تبدیل گردیده است. بحران حاکمیت سیاسی در درون این حاکمیت نهفته است.

درون این حاکمیت نهفته است، این دولت از آغاز تا کنون هیچ گاه بر هویت خودی این سرزمین فکر نکرده است، حقیقت این است که شماری از ادیان، از جمله ادیان غیر اسلامی توانستند فرهنگ اخلاقیات غرب را بپذیرند، اما اسلام کل غرب را به چالش کشیده است.

به رنگ نمونه ایجاد نظام های سکولار در حوزهٔ تمدن اسلامی کاری ساده یی نیست و شاید قرن دیگر به طول بکشد و به جایی نرسد بعد از یک قرن ترکیه نتوانست نظام لائیک را در آن سرزمین برقرار سازد. امروز می بینیم که یک موجی از بازگشت دراین کشور در میان جوانان درحال شکل گرفتن است. امروز با میلیون ها انسان گرسنه درافغانستان نمی توانیم از جهانی شدن درمیان مردم حرف بزنیم زیرا این جهانی شدن و این کمک های خارجی هیچ کدام نتوانست بر این فقر مزمن پیروزی حاصل کند. نتیجه جهانی شدن در افغانستان، بیکاری، فقر وعدم اشتغال تعبیرمی شود، زیرا این کشور در نتیجهٔ درگیری های چندین دهه وعدم کفایت حکومت ظرف هفت سال تمام ساختارهای کلاسیک حیات اجتماعی خویش را از دست داده و آب و هوای دروغ تنفس می کند فقط ما با تبلیغ وبرنامه های تبلیغاتی زندگی می کنیم، آنقدر درحول وحوش ما ترانه دروغ نواخته می شود که ما را به یوتوپیای فلسفه یونان نزدیک می سازد که ایجاد چنین جو سازی بر بحران حاکمیت سیاسی کمک نموده و رنگ جهانی شدن در حوزهٔ اقتصاد و فرهنگ را برای کشورما بی مفهوم

فرایند این بی برنامگی با وجود حمایت نیروهای خارجی از رژیم حامد کرزی بحران امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را عمیق وعمیق ترساخته است. بیکاری بیداد می کند. اقتصادجنگی و غیر مشروع از راه های قاچاق مواد مخدر امنیت اقتصادی و امنیتی و اجتماعی مردم را با خطر مواجه ساخته است.

ساخته است.

قرضاوی به این عقیده است که اگر جهانی شدن برای خود هزار دلیل هم داشته باشد باز اطراف و تبذیر آن و بازارهای مصرفی او برای ما قابل قبول نیست، حتی اگر همه ثروت جهان در اختیار همه قرار داشته باشد باز اگر بیش از نیاز مصرف کنیم حرام است. امروز یک چنین برنامه یی در کشور وجود دارد اکثریت مطلق در فقر مزمن به سر می برند و یک درصدی محدود رفاه دیده از هرنوع امکانیات مادی برخوردارند، نتیجه و فرایند این وضعیت موجودیت یک تفکر استبدادی دراین سرزمین است.

نبود توجه به علم و عقلانیت موجب گردیده است که ما نمی توانیم از وضع موجود به وضع مطلوب گذار نماییم، توسعهٔ سیاسی به هر طریق چه از طریق برنامه ریزی دولتی چه از طریق خصوصی سازی بدون درک واقعیت های جامعهٔ و ساختارهای موجود فرهنگی ناممکن است، باید بپذیریم که ما نه واقعیت ها و هویت های جامعه خود را خوب می شناسیم و نه معنای سکولاریزم ومدیریت دولتی و خصوصی سازی در بستر غربی و تاریخی بدون رسیدن به چنین شناختی گذار به توسعه میسرنخواهد بود، باید بدانیم که در کجای تاریخ قرار داریم جهان ما چگونه است چگونه می توانیم گفتگو کنیم و فردا را تصویر کنیم.

فرایند این بی برنامگی با وجود حمایت نیروهای خارجی از رژیم حامد کرزی بحران امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ر ا عمیق وعمیق ترساخته است. بیکاری بیداد می کند. اقتصادجنگی و غیر مشروع از راه های قاچاق مواد مخدر امنیت اقتصادی و امنیتی و اجتماعی مردم را با خطر مواجه ساخته است. جنایات سازمان یافته سرقت های مسلحانه، آدم ربایی، فحشا و موجودیت خانه های امن به هدف تن فروشی، فساد اداری لجام گسیخته افزایش گداها افزایش روز افزون قیمت ها مردم را در حصارمرگ تدریجی قرار داده است. به بهانه اصلاحات اداری به روی مردم شمشیر کشیدند، تعدادی از افسران را از صفوف قوای مسلح خارج ساختند و مجاهدان قوای مسلح را که تجربه سه دهه جنگ را در برابر اشغالگران داشتند به صورت تحقیر آمیز در آزمون های کذابی خارجیان سلب صلاحیت کردند.

این کار در شرایطی درافغانستان روی دست گرفته می شود که دیگر در کشورکار آبرومند وشرافتمندانه برای این متقاضیان کار وجودنداشته است، زندگی زنان بیوه، کودکان معلولان جنگ مالامال از مصیبت و فاجعه می باشد. یقین دارم روزی این تندبادی که در جنوب زبانه می کشد دامن شمال را خواهد گرفت، همه روزه اقشار ولایه های مختلف جامعه وجوانان بی کار به صفوف مخالفان دولت می پیوندند سربازان و پلیس دولت با سلاح هایی با طالبان یکی می شوند وتا هنوز این دولت به کمک دوستان بین المللی اش نتوانسته است طرح کاملی برای بیرون رفت از بحران کنونی را ارائه کند با چنین وضعیتی نمی توان از ادامه و بقای رژیم سخن گفت.

آیا بعد از هفت سال شکست و نا توانی موقع آن نرسیده است که این دولت در سیاست های خود تجدید نظر کند؟ اگر قدرت و ثروت چشم ها را کور نکرده باشد دیگر این رژیم به حالت پوسیدگی خود رسیده است.

اهداف استراتژیک و درازمدت کشورها، افغانستان را به جنهم قرن بیست ویک تبدیل نموده است. امروز بسترها ولانه های مخالفت درحال شکل گیری درهمه جغرافیای کشور است، امروز تعدادی از کارمندان وشهروندان کشور با تازیانه تحقیرمخالفان سر به نیست می شوند.

گوسفندی برد این گرگ مزورهمه روز
گوسفندان دیگر خیره در او می نگرند

این ها و عوامل دیگر توانسته است که بحران حاکمیت سیاسی را در افغانستان تشدید بخشد. کشور فقط به مدیریت کارا، عادل و دلسوزضرورت دارد درعدم ایجاد یک چنین مدیریتی سالم، بحران بیشتر شده و اوضاع سیاسی و نظامی از کنترل خارج خواهد شد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

د"اوباما" او" مکین" لخوا دکرزي دولت په ناکامۍ اعتراف څه ایجابوي؟

دامریکا د جمهوري ریاست دواړه کاندیدان "باراک اوباما" او"جان مکین" پداسې وخت کې د افغانستان د ولسمشر حامدکرزي د ناکامۍ خبره کوي چه په هیواد کې د ولسمشرۍ ټاکنو ته نږدې کال پاتې دی که څه هم له "اوباما" او "مکین" دواړو څخه لایو هم تر دامهاله د هغه هیواد د ولسمشرپه توګه ندی ټاکلی شوی خو څرګنده ده چې د ولسمشرۍ په راتلونکو ټاکنو کې به له همدې دواړو څخه یو تن -چې د اوباما چانس یکې زیات لیدل کیږي- دهغه هیواد د ولسمشرۍ په منصب فابزشي؛ ځکه چې د ټاکنو معرکه د همدې دواړو ترمیځه ده. البته دا جوته شوه چې د امریکا دپالیسیوپه لړکې د افغانستان د فعلي قیادت په هکله پدې اړه اتفاق موجود دی چې د کرزي دولت نورناکام شوی او داځکه چې نوموړي دخپلې واکمنۍ په دوره کې نه د افغانستان دهارخیزې آبادۍ، رغونې اوبنسبزازۍ لپاره څه وکړای شو او نه یې د هیواد د امنیت په لړکې څه ښه والی راوستی شو. همدارنګه ددې پرځای چې دخپلې واکمنۍ په دوره کې کاردکار وړخلکو او مسوولیتونه با دردو افغانانو ته په سپارلوسره ښه اداره او ټولنیز عدالت مینځ ته راوړي. رشوت اختلاس، اداري فساداو بې عدالتي د نوموړي د واکمنۍ هغه بېلګې شوې چې کرزی یې د هیواد په تاریخ کې له ټولوناکام ولسمشر راوپیژنده؛ د کرزي دولت د هیواد دخپلواکۍ ،ځمکنۍ بشپړتیا او ملي ګټو د ګواښ په بیه، دنړیوالو مرستو لاس ته راوړنې د استراتیژۍ په سمه توګه پرمخ بیولو او تطبیق کې او هم ددغو مرستو په مناسبو او اړوندوځایونو یې د لګولو په مسؤولیت کې پاتې راغلی، چې لامله یې دهیواد امنیت یوازې دکابل او څونږدې ولایتونو پورې محدود شوی او دمخالفینو عملیاتو له یوې ورځې څخه بلې ته پراختیا موندلې چې په نتیجه کې یې دولس لخوا دکرزي دولت دنه منلو وروسته لویدیځې نړۍ اوان تردې چې امریکا هم دهغه په ناکامۍ اعتراف وکړ. خو اوس خبره دا ده چې آیا دامریکا د دواړو سیالو کاندیدانو لخوا دکرزي په ناکامۍ دصراحت مقصد ریښتیاهم د هغه د ناکامۍ په ګوته کول او پرې اعتراف کول دي.چې په تعقیب یې د امریکالخوا د افغانستان په اړه پالیسۍ او نوې ستراتیژۍ باندې فکر کول ایجابوي او که نه، په دې بنیاد چې د امریکا دپالیسیوپه وړاندې دافغانستان د ولس د ناخوښۍ او نفرت لامله اوس امریکا پدې باوري شوې چه دکرزي دناکامیو په عنوانولوسره کولای شي د افغانستان دخلکو ننګه او ملاتړ دکرزي او دهغه په څېردنوؤ کرزیانو لپاره لاسته راوړي؛ ولې چې دافغانستان دولس باور نورله امریکا څخه پاڅېدلی.

که چیرې په ریښتیاهم امریکا پدې عقیده وي چې کرزی دخپلې واکمنۍ په دوره کې پاتې راغلی نو بیاخوبکار ده چې د دموکراسۍ دشعار دتحقق لپاره - چې امریکا او لویدیځ پلوي افغانان یې د افغانستان دستونزې مسیحاګڼي- یوازې د خپلو ګټوپه منظورنه، بلکې دافغانستان دخلکو په ګټه هم استعمال کړای شي او زمونږپه هیوادکې راتلونکې ټاکنې شفافې پریښودل شي؛ دقوم، ژبې او سیمې تړاؤنه دامریکا او یالویدیځ پلوو افغانانو دګټولپاره ونه پارولی شي او پریښودل شي چې افغان ولس دولسمشرۍ په راتلونکوټاکنو کې هغه څوک غوره کړي چې د دې هیواد په اسلامي او ملي ارزښتونوپوره ختلی او دکمپنۍو او پردیولخوا دباور پرځای په خپل ولس کې باوراو ژورې ریښې ولري او دولس له متن څخه اوسي، څو د دغو مواصفاتو سره سره دخپل سیاسي بصیرت، اسلامي تعهد او افغاني جذبې په مټ و کولای شي خپلې داخلي ستونزې حل او مخالفتونه له مینځه یوسي او هم دسیمې د هیوادونو سره خپل کړکیچ د متقابل احترام داصل په

پاتې پر۵مخ

حکمتیار و رویت بدون حضور در کابل

سخنی در بارهٔ جلسهٔ حزب اسلامی در کابل

روز جمعه سرطان غرض شرکت در دومین روز جلسهٔ بزرگ حزب اسلامی افغانستان به سوی پولی تخنیک به راه افتادم. این جلسه در خیمهٔ بزرگ ولسی جرگه دایر شده بود.

در مدخل ورودی پولی تکنیک جایی که پلیس موتر ها را بازرسی می کند ایستادم. بعد از ختم بازرسی، شخصی به موتر نزدیک شد وبه من گفت:

- به خیمهٔ لویه جرگه می روی؟

- بلی!

- ممکن است مرا هم با خودت ببری؟

- بفرمایید!

او در کنارم نشست و گفت:

- من از درد پا رنج می برم و نمی توانم زیاد پیاده بروم.

به چهره اش نگاه کردم و به نظرم خیلی آشنا آمد. پرسیدم:

- مثل این که ما با هم آشنا هستیم!

- شاید. اسم من مصطفی بدر است!

- فرماندهٔ مشهور حزب در دوران جهاد در ولایت لوگر؟

- بلی! من آن زمان قوماندان بودم. در یک محاصرهٔ روسها که برای دستگیری من اجرا شده بود از یک محل بلند خود را به پایین پرتاب کردم و پایم صدمه دید. اکنون سال هاست که از درد پا در رنجم!

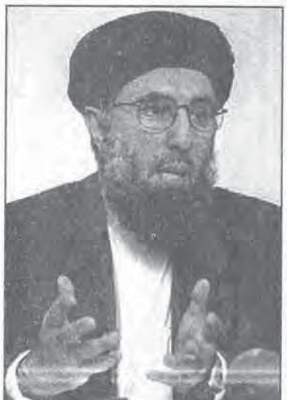
یک لحظه به گذشته ها برگشتم. بدر از فرماندهان قدرتمند مجاهدین در لوگر بود که امکانات فراوان در اختیار داشت. او مانند همهٔ مجاهدین در ولایت لوگر در برابر ارتش سرخ یک مجاهد حماسه آفرین بود اما این توان اقتصادی را نداشت تا حتی پای صدمه دیدهٔ خود را تداوی کند وسال هاست که با این درد می سازد.

بدر فقط یک مورد است. در زیر آن خیمه بسیاری دیگر را نیز در شرایط مشابه یافتم. بی اختیار در ذهنم مقایسه یی پدید آمد. میان بدر و کسانی چون بدر و آنانی که در دوران جهاد نام ونشانی نداشتند اما امروز از چه امکاناتی که برخوردار نیستند.

در خیمهٔ لویه جرگه با عدهٔ زیاد از فرماندهانی از این گونه برخوردم که از ولایات دور و نزدیک آمده بودند. یکی دهقانی می کرد و دیگری دکانی باز کرده بود. از معیوبان و معلولان و خانواده های شهدای جهاد صد ها نفر در این محل گرد آمده بودند.

***

گردانندگان برای تعیین یک رئیس جدید و شورای رهبری، این محفل را دایر کرده بودند که سه روز به طول انجامید. عبدالهادی ارغندیوال که ریاست شاخهٔ حزب در کابل را به عهده داشت، در روز اول کناره گیری خود از این سمت را اعلام نمود واز شرکت کنندگان خواست تا مسؤول دیگری را برای این مهم برگزینند.



> **تقریبا اکثریت در این اجتماع شرکت کرده بودند به این تصور بودند که حکمتیار در عقب صحنه حضور دارد. آنها می دانستند که کسانی از افراد روی صحنه هرگز نخواهند توانست بین خود جانشینی برای حکمتیار تعیین کنند**

برای من سخنان بعضی از شرکت کنندگان این اجتماع بسیار عجیب بود.

مثلا شخصی که از پیشاور برای شرکت دراین گردهمایی آمده بود می گفت که دموکراسی با اسلام مخالف است و ما باید این نظر را در اساسنامهٔ حزب منعکس بسازیم. ما فقط خواستار حکومت اسلام هستیم. همین وبس!

این سخن از آنجا جالب بود که این گردهمایی در زیر خیمهٔ لویه جرگه تدویر یافته بود. جایی که در آن قانون اساسی جدیدی برای افغانستان به تصویب رسید که در آن دموکراسی به عنوان نظام قانونی برای افغانستان به رسمیت شناخته شد.

در مورد حضور نیروهای خارجی اکثریت به این نظر بودند که باید این نیروها از افغانستان خارج شوند. البته در این میان کسانی هم بودند که حضور این نیروها را به این شرط می پذیرفتند که در چهارچوب یک قانون حدود اختیارات و محدودهٔ فعالیت آنان مشخص گردد اما بعضی می گفتند که نفس همین مسأله که ما خواهان قانونمند شدن حضور این نیروها در افغانستان باشیم به معنی به رسمیت شناختن اشغال افغانستان است.

تقریبا اکثریت در این اجتماع شرکت کرده بودند به این تصور بودند که حکمتیار در عقب صحنه حضور دارد. آنها می دانستند که کسانی از افراد روی صحنه هرگز نخواهند توانست بین خود جانشینی برای حکمتیار تعیین کنند. در این مجلس از حکمتیار بااحترام یادآوری به عمل آمد و سرانجام انتخاب مجدد ارغندیوال بحیث کسی که در رأس این حزب قرار دارد به تصویب رسید. اما وی جانشین حکمتیار در این حزب نیست بلکه نایب حکمتیار در زمان غیبت وی از صحنهٔ سیاسی کشور است. حکمتیار در این گردهمایی رویتی بدون حضور داشت!

شاخهٔ کابل حزب اسلامی فاقد وحدت لازم برای به میان آوردن یک تشکل منسجم است. خالد فاروقی یکی از پیش کسوتان این حزب که در ابتدای به رسمیت شناخته شدن این حزب به حیث یک حزب سیاسی در کابل رهبری آنرا به عهده داشت، از این جریان کناره گرفته و دفتر جداگانه یی برای خود تدارک دیده است. وحید الله سباوون گروه خاص خود را دارد و همایون جریر فعالیت فردی دارد و می خواهد بیشتر به عنوان یک شخصیت پیشمان از گذشته شناخته شود. بنابراین نمی توان انتظار داشت که حزب اسلامی در تحت سایهٔ این رهبری جدید در کابل بتواند طرحی در خور توجه در اندازد.

در این گردهمایی که برای اعلام موضع حزب دربارهٔ انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری نیز بود، روی این مسأله که حزب باید کاندیدای مستقل داشته باشد تصمیم گرفته شد اما نام این کاندیدا تا کنون مشخص نشده است.

دتروریزم سره جګړه، خو د پاکستان لپاره په ښو شرایطو پیل شوه

حبیب الله

په افغانستان کې د طالبانو د قدرت په مهال د تروریزم او ترهګرۍ ریښې ورځ تروبلې په غزیدو شوې وې او په هېواد کې یې ځالې پیدا کړې چې په دې سره په نړۍ کې د طالبانو د رژیم باور ورځ تر بلې په کمیدوشو، نړیوالو سره دا اند پیښنه پیدا شوه، چې یوه ورځ به نړۍ د یوه لوي چلنج سره مخامخ شي او دا هېواد به د نړیوال تروریزم مرکز وګرځي.

افغانانو ته هیڅ خارجي نظامي قوت پخپله خاوره کې د منلو وړ نه دی، ځکه هر خارجي قوت د بل په خاوره کې د اشغالګر په نوم یادیږي، که هغه په هر ځای کې وي. افغانان په خپل دین او مذهب باندې ټینګ ولاړدي او له هغې څخه یې په هر وخت کې دفاع کړی او کوي یې.

کله چې طالبان له قدرت څخه ولویدل نو په افغانستان کې د امریکا په مشرۍ خارجیانو ډیرې تیروتنې وکړې، دوی د طالبانو د رژیم په را نسکوریدو بسنه وکړه، او افغانان یې -چې کلونه کلونه یې په جګړو کې تیر کړي وه. لوږه تنده، بیوزلي او ناچاري یې ګاللي وه -له پامه وغورځول.

یوازې د غربي پلوه دموکراتانو پلوي یې پیل کړه. دایې بابیزه وګڼله چې د ترهګرواصلي سر چینې په بل ځای کې دي او داګمان یې نه کاوه چې یو ورځ به د امریکایانو او د هغوي د پلویانو لپاره د سر درد جوړیږی. او کله چې په افغانستان کې موقته اداره جوړه شوه نو د خلکو له خوا په ښه ډول بدرقه شوه او دخلکو هیلې ترې زیاتی کیدلې. مګر دوخت په تیریدو سره خلکو ترې ورو ورو مخ واړوه. نو پاکستانی چارواکي او استخباراتی کړۍ



په دي باوري شو چې په افغانستان کې خارجیانو نور په تیروتنو پیل وکړ، له دې څخه په ګټې اخیستنې سره یې د پرزول شوو طالبانو په راپورته کیدو او تنظیمولو پیل وکړ. او په جنوبی ولایتونو کې یې ځای پر ځاي مسلحانه بریدونه پیل کړل. د پاکستان پولوته نږدې په قبایلی سیموکې هم کړکیچ پیدا شو، د دې لپاره چې د دې بریدونو مخه ونیول شی، نو یې د پاکستان دولت ته د افغانستان او پاکستان ترمنځ پولو ساتنه ورپه غاړه کړه او هغه یې د ترهګرۍ او تروریزم ضد جګړې نږدې ملګری وباله. امریکایانو او د هغوي پلویانو داسې فکر کاوه چې دا کاربه ورته په لږ لګښت تمام شي خو د تروریزم سره جګړه د پاکستان لپاره په ښو شرایطو پیل شوه، له یوې خوا یې د نړیوالې ټولنې ملاتړ ترلاسه کړ او د مرستو سیلاب یې پرې سور کړ او له بلې خوا په ډیره اسانۍ او بې له لګښته په هغو سیموکې داخل شو چې پخوا ورته په ډیر لګښت تمام شوې وې، پاکستان خپل فوځیان او ملېشه د تروریزم او ترهګرۍ په ضد د جګړې په پلمه د افغانستان په خاوره کې ځای پر ځای کړل او پولوته یې نږدې، په قصدی ډول په جګره لاس پورې کړ او وایې چې دا جګړه د ترهګرو پر ضد جګړه ده په داسې حال کې چې ترهګر په ښکاره ډول د پولې د واړو خواوته اوړي او راوړي او هېڅوک ورته څه نه وایې. په دی پلمه چې پاکستاني فوځ د تروریزم او ترهګرۍ سره د جګړې په ډګر کې لاس او ګریوان دی د افغانستان دولت او امریکایان باید په دې پوه شي چې د پولو ساتنه د پاکستان له لوری له اند یښنو نه ډکه پروسه ده، په دي پوهیږو چې په جګړه کې ګټونکی نه وي او جګړه له ځان سره ډیر مصیبتونه منځ ته راوړي مګر د خپلو ګټو په لاس ته راوړنه کې د بې ګناه خلکو وژنه ورته بده نه ښکاري، د تروریزم سره جګړه پاکستان لپاره ډیرې لاسته راوړنې لري. د امریکا او پلویانو مرستی یې جاري وساتلی شوې، د قرضونو شرایط یې ورته اسان شول او یو څه یې ورته ور وبخښل.

د افغانستان او پاکستان په اړه د امریکا سیاست شفاف نه دی.

له یوې خوا د افغانستان دولت ته وایی چې په افغانستان کې د بې امنۍ لمن ورځ تربلې په چټکۍ پراخیږی اوپه هېواد کې وضع کړکیچنه کیږي، د ترهګرو بریدونو کې کمی نه راځي، دا د پاکستان د دولت استخباراتي کړۍ دي چې د هغوی سره مرسته کوي او تجهیزوي یې. د بلی خوا د پاکستان څخه هر اړخیزه ملاتړ کوي او پر شایې تپوی چې د تروریزم او ترهګرۍ ضد جګړه کې یې ګویا یوازینی ملګری دی. له دې نه معلومیږی چې پاکستان ورته د افغانستان نه ګڼلی ښکاري او زیاتی پیر زوینې پرې لري.

که په پاکستان مرستی لږی سستی شي نوهغه سمدلاسه په قبایلی سیموکې په یو سیمه کې نظامی عملیات پیل کوي او یا پرې د امریکاله خوا زور راوړل شي، په دې کار سره له یوې خوا د مرستو لړۍ پیل شي او له بلې خوا د امرکایانو زړونه خپل کړي. نړیوال په دې باوري کړي، چې د تروریزم سره په جګړه کې جدي دی.

په دي وروستیو وختوکې نړیوالې ټولنې د پاکستان دولت دافغانستان دولسمشر حامد کرزي په خولې وګواښاوه چې د پاکستان دولت په هغه وخت کې سمدستی غبرګون و ښود او دحامد کرزي وینابې بې بنسټه وبلله. مګر کله چې د امریکا دخارجه چارو د وزارت مرستیال ریچارډ باوچر پاکستان ته سفر وکړ او د پاکستان د لمړی وزیر سره یې وکتل. نو د پاکستان دولت د لمړی وزیر په څرګندونو کې نرمښت پیداشو او ویې ویل چې د حامد کرزي وینا غلطه تعبیر شوې وه.

د امریکا متحده ایالات نیغ په نیغه په افغانستان او پاکستان اغیز لري مګر پاکستان په ډیر لږ خوځښت سره چې د ترهګرۍ په ضد یې کوي، ډیر څه په لاس راوړي، او افغانستان د اور په سرو لمبوکې سوزي، د خلکو بیوزلي ورځ تربلی زیاتیږي. د امریکا او د هغې د پلویانو لپاره په کار دي چې د افغانستان دسر حدي پولود ساتنې لپاره قوي پخه پالیسي جوړه کړي.

ددي سره سره چې د ملګرو ملتونو د امنیت شورا د پریکړی له مخی له ۳۵ څخه زیاتو هیوادونو وسله وال په افغانستان کې شته خو ګاونډیان لاهماغه شان خپلو پټواو ښکاره مداخلو ته د وام ورکوي او د هغې په مخنیوي کې پاتې راغلي دي.

همین و فرجام!

از: محمد افسر رهبین

زنده گی، امید گذرنامهء هند است در سینهء مسلمانی، که با بمب انتحاری به خاک سپرده میشود.

***

زنده گی، جمجمهء فرسوده ایست، بر دیوار زنبورک، که بیداد زمان را با زبان استخوانی خود بیان میدارد

***

پس اگر میخواهیم در زمین نقشی داشته باشیم و نقشی برجای بگذاریم، باید فرزند صالح بود و فرزندان را صالح بار آورد.

عشق ما را، پیشتر از ما به اینجا میفرستند.

وقتی، چشم به جهان میگشاییم، عشق همصدا با نخستین چیغ، که نخستین فریاد ما از دیدار هستیست، در ما حلول میکند و روان ما را تسخیر مینماید.

هنوز ما او را که در درون ما جایگزین گردیده است، نمیشناسیم. عشق، پستانش را در دهان ما میگذارد و دهان ما را با نخستین مزهء سپید، شیرین میکند.

هنوز، رنگ را نمی شناسیم، هنوز واژه ها را نمیدانیم، و هنوز از نام خویش ناگاهیم. عشق ما را بوسه میزند و حتا بوسه اش را نیز بازتابی نداریم.

نرمک نرمک، عشق دست ما را میگیرد و به مهمانی رنگها میبرد. شاید همین نخستین شناخت ما از جهان هستی است. رنگ در چشمان ما دریچهء شناخت باز میکند و کشش در ما آغاز می گردد.

به تپش در می آییم، و تلاش برای دست یازیدن، برای خوردن و نوشیدن، درما سبز میشود.

به بازی میپردازیم. با گیسوان مادر، با ریش پدر، با آب و با آتش. تا آنکه به تمیز پدیده ها برسیم.

بازیچه ها را دوست میداریم. پس از پستان مادر، سرگرمی ما با زیچه ها اند. گدیگک ها، حیوانک ها و سازکها.

یا، تنها و بی عزیزیم. نه یاری که برای ما آغوش بگشاید و نه یاوری که ما را بردوش بردارد. گاهی در افریقای فقر پرسه میزنیم و گاهی در افغانستانِ فغان به فریاد می آییم.

با این همه، هرچه استیم، به تداوم سفری میپردازیم که نامش است، زنده گی.

آری؛ زنده گی،

همین سفر سنگین، از درمانده گی به وامانده گی.

خواهش، میل، کشش، کوشش، خوردن و نوشیدن، پوشیدن و خروشیدن، دوست داشتن و جنون برداشتن، طغیان نمودن و ویران کردن و فرجام همه خاموشیدن.

زنده گی، برگه ایست برای محکوم بودن و دستاویزی است برای دربند بودن.

زنده گی، بیراهه ایست از عشق به سوی عقل.

زنده گی، خواهش سپیدِ کودکیست، که با صدای گامهای مادر به کام میرسد.

زنده گی، چهچهء نرم پرنده ایست، که با یک شاخه پرواز، آسمانی میشود.

زنده گی، مزهء خشک نانیست، که سگ همسایه از دست کودک میپراند.

زنده گی، رخنهء کوچکیست در باغی بزرگ، که بچه های شوخ، از آن سرخی سیب را بو میکنند.

زنده گی، مشق الفبا بر روی تختهء سیاه کوچک است، که فراز و نشیب آن به جادهء خیال میماند.

زنده گی، امید گذرنامهء هند است در سینهء مسلمانی، که با بمب انتحاری به خاک سپرده میشود.

زنده گی، رنگ قهوه یی است، که پوست دختران افریقا را، بی هیچ نبردی تسخیر می کند.

زنده گی، بسترِ متروک خانوادهء خیابانی است، در حوالی تاج محل. که هر بامداد، به خواب سنگین شاهجهان میخندند.

زنده گی، جمجمهء فرسوده ایست، بر دیوار زنبورک، که بیداد زمان را با زبان استخوانی خود بیان میدارد.

زنده گی، شرح شگفتن زخم است بر سینهءچریکی، که دشمن را نمیشناسد.

زنده گی، خاکستر خرمنی است، که برزیگری بر فرق خود باد می کند.

زنده گی، دست چپِ کارگری است، که با دست راستش به خاک سپرده می شود.

زنده گی، آیینهء کوچکی است، که عروس روستایی برای نخستین بار چهره اش را در آن تماشا می کند.

زنده گی، نام پرنده ایست، که از کشمیر تا بوسنی، و از کابل تا سومالی، تنها خطوط خونین تفنگ را میشناسد.

و زنده گی، قصیدهء بلندِ خداست، که شهکاری از عشق برای دوست خود سروده است.

و زنده گی دژ رنگینی است که عقل آنرا تسخیر می کند و برفراز برج آن خانه می سازد. اما هرگز به بلندیِ عشق نمیرسد.

عشق، نام دیگر هستی است. عشق در دلِ و جانِ ما حلول دارد، اما نیروی دیگری در ما پدید می آید. که ما را از عشق تهی میخواهد.

خِرد می آید، و ما را به سوی سودمندی و سلامتی فرا میخواند.

خرد، ما را با نامها آشنا میسازد و تمیز رنگها و نیرنگها را به ما می آموزد.

خرد،همه دلها را به سوی خود میخواند، و چشم هارا برای سیردیدن و سیر خوردن و سیر نوشیدن و سیر نیوشیدن صدا میزند.

خرد، ازگندم اندوه و شراب اشک، برای ما حلوای هوس می پزد.

خرد، ما را از" آغاز زمین " عبور میدهد، تا باری به برهنه گی آدم و حوا بخندیم.

خرد به سالخوری ما نگاه نمی کند، به این نمی بیند که شمار پاییز ها ی رفته را برفرق خویش خط سپید میکشیم. خرد به برنامهء خود می اندیشد و به بربادی عشق.

خرد، فلسفه را از دیوهای تاریخ وام میگیرد.

خرد، خود را واضع مراحل تاریخی تمدن بر روی زمین مینامد.

خرد، خود را در پیکر بوش و براون، در می آورد، تا افسانهء هزار و یک شبِ جنگ سرد را، در قالب جالب القاعده طرح نو بریزد.

خرد، برای مهمانان گوانتانامو و بگرام خود، از غذاهایی

خرد، فرزندان رضایی خود، مارکس و انگلس را از میراث محروم میسازد و برای سازمانهای شکست خوردهء چپ، معجونی از آرد جمجمهء لینن هدیه می بخشد.

خرد، خوان گستردهء سرمایه را میگستردو همه پیروان شکست خوردهء سفرهء سوسیالیسم را به میزبانی می نشیند.

خرد میفهمد، آزادی را در بازار آزاد، دست سوم خوب میخرد.

خرد می پندارد، عاقبت کار زمینیان به دست پدرخداست.

خرد می پندارد، اسلام وقتی با سیاست همراه می شود، دیموکراسی سیاه می پوشد.

خرد میداند، سالهاست هیچ فلسطینی ای در نوار غزه، مزهء یک صبح آرام را نچشیده است.

خرد، میخواهد جنگ تریاک در افغانستان سُرختر جریان یابد، تا هیروهای هیرویین، پدرهایشان را دعا کنند.

خِرد، با سیلی ای از دانش بر روی ما میکوبد و میخواهد همواره فرمانبردار او باشیم. اما عشق نمیگذارد.

عشق می گوید، این ستم است.

عشق نمیخواهد با ما باشد، هرگاه ستم را برداشت نماییم.

عشق نمیخواهد با ما سر از گریبان دوستی بیرون کند. اگر ستمگار یا ستمساز باشیم.

عشق حق دارد با ما نباشد، از همانجا که ستم آغاز میگردد. چرا که سروش و دیو با هم هرگز نیامیزند.

این ما نیستیم، وقتی به خویشتن بر می گردیم. این عشق است که خود را در ما تجسم میبخشد.

ما ،در تنهایی از عشق بی هیچ میمانیم. ما در تنهایی از عشق، تعریف خویشتن را از دست می دهیم.

ما، در تنهایی از عشق، نفسی برای زمزمه نداریم.

ما در تنهایی از عشق، چیزی برای سرودن نمی یابیم، جز اندوه بزرگ بی-پناهی.

ما، در تنهایی از عشق، از سایهء خویش می افتیم و به دیوار خاموشی میخکوب میشویم.

اگر عشق نباشد، ما غزل ها را از چشمهء سوزان بیتابی آب نمیدهیم. و مزهء سبز حیات بر زمینهء لبهامان شیرینی نمی آورد، اگر عشق نباشد.

این عشق است که به ما می آموزد،

میتوان مسلمان بود، پیش ا ز آنکه به دهشت افگنی پیوست.

میتوان مسلمان بود وهردم بهشت را خواب دید، بی آنکه (پیراهن نیمقد جنت) را به تن کرد.

میتوان مسلمان بود و، خالی از خامی و برون از" سخت گیری وتعصب " زیست. به این شرط که باید پذیرفت، دیگران نیز اولادهای آدم اند.

باید دانست، هر انسانی خلیفهء خدا نیست.

باید دانست، زمین میراث فرزندان صالح آدم است.

پس اگر میخواهیم در زمین نقشی داشته باشیم و نقشی برجای بگذاریم، باید فرزند صالح بود و فرزندان را صالح بار آورد.

و اما دریغ از آن روز که انسان وفرزندان انسان طالح بار آیند. درست همانچه که زمین و فرشته گان به آن اشاره داشته اند.

" انسان در روی زمین به فساد و تباهی خواهد پرداخت"

و این زمانیست که انسان از عشق، بریده است.

بریدن از عشق، پایان تعریف موجودی است که " قرعهء فال" را به نام او زده اند.

بریدن از عشق، پایان تپش پروانه ایست، که پرواز در بال هایش خوشیدن می گیرد.

بریدن از عشق، پایان داستان گل سرخیست، که رنگ بر رگ هایش شکستن می گیرد.

بریدن از عشق، تباهیِ اسطوره ایست، که از خونِ کبوتر ترسیم گردیده است.

بریدن ازعشق، خشکیدن شورش آبیِ ماهیان است.

بریدن از عشق، بال تباهیست که بر پیکر مورچه سبز می گردد.

بریدن از عشق، یعنی جداییِ آهوبره از جغرافیای مادر و رسیدن به مرز سرخ چنگال و دندان.

بریدن از عشق، یعنی آغازِ به خویش نرسیدن.

باید دانست؛ خداگونه گی، مفهوم بلندیست که جز در فرهنگ عشق، برایش تشریحی نفرموده اند.

باید دانست، وقتی از خِرد کاری برنیامد، عشق آمدو به تعریف ناتمام زیبایی پرداخت.

زیبایی، صدای پای نسیم است، که صبحانه غنچه ها را از خواب بیدار می کند.

زیبایی، زمزمهء رنگ است برای تمام عاشقانه های هستی.

زیبایی، بهانهء خوب خداست، برای معشوق آفریدن.

بریدن از عشق، بریدن از گوهر خویشتن است.

تا دیر نیست، باید در خود شکستن و خود شکستن را تجربه کرد، تا زیبایی مفهوم عرفانی خود را برای ما شرح کند.

تا دیر نیست، باید برای هشیاری شبپوها چراغ روشن کرد.

تا دیر نیست، باید برای بیداری پتونی ها یک کُرد مهتابی دست و پا نمود.

تادیر نیست، باید برای تازه ماندن ارغوان ها، غزلی را قربانی داد، که مبادا، لانهء پرستو، از زمزمه خالی ماند.

تا دیر نیست، باید پنجرهء جانها را به سوی عشق باز کرد، و مُهر ها را از دل ها و چشم ها و گوش ها فرابرداشت.

تا دیرنیست، باید دیوان های عشق را باز کرد. باید راهی به سوی مردان خدا سراغ نمود، زیرا دیو سیاه جهانخوار، در چارسوی زمین سایه افگنده است.

تا دیر نیست، بای‌د راهی به سوی عاشقان زیبایی سپرد.

راهی، به سوی خسرو

راهی، به سوی حافظ.

آیندهٔ سیاسی آقای کرزی



آقای خلیل زاد قبل از این که به مقام نمایندگی امریکا در سازمان ملل متحد منصوب گردد مدتی به عنوان سفیر و نمایندهٔ خاص رئیس جمهور امریکا در افغانستان ایفای وظیفه نمود در حقیقت رئیس جمهور حقیقی افغانستان در این دوران بود که کرزی بدون مشورهٔ وی دست به هیچ کاری نمی زد. او در آستانهٔ انتخابات پارلمانی افغانستان به سمت نمایندهء امریکا در سازمان ملل منصوب گردید و از افغانستان رفت. کرزی از زبان آقای شنواری رئیس ستره محکمه وقت تقاضای تمدید مأموریت وی در افغانستان را لااقل تا پایان انتخابات پارلمانی نمود که امریکا به این تقاضا توجهی ننمود

بقیه از صفحهٔ اول

وزارت امور خارجهء افغانستان طی یک عکس العمل رسمی، این سخنان اوباما را بخشی از کمپاین انتخاباتی وی دانست و اظهار امیدواری نمود که اوباما با سفر به افغانستان، به حقایق موجود این کشور پی ببرد.

اما از ابراز این عکس العمل وزارت امورخارجهء افغانستان چند ساعت نگذشته بود که سناتور مک کین کاندیدای ریاست جمهوری از حزب جمهوری خواه نیز اظهارات مشابه در مورد آقای کرزی ابراز نمود و کرزی را شخصی ضعیف خواند. وی کرزی را با نوری المالکی مقایسه نمود و مالکی را شخص با کفایت تر از کرزی دانست.

اظهارات مک کین این ادعا را باطل نمود که سخنان اوباما در مورد آقای کرزی بخشی از مبارزات انتخاباتی وی است. سخن اوباما زمانی می توانست با رقابت انتخاباتی رابطه بگیرد که موضع وی با مک کین در این مورد متفاوت می بود.

اگر به گذشته برگردیم، به قدرت رسیدن آقای کرزی در افغانستان در سال ۲۰۰۱ در شرایطی صورت گرفت که رژیم طالبان سرنگون شده بود. حکومت مجاهدین که پنج سال دربرابر تسلط طالبان بر تمام افغانستان مقاومت کرده بود نیز مورد تأیید امریکا نبود. کنفرانس بن برای مشخص ساختن مسیری که باید افغانستان پس از طالبان بپیماید تشکیل شد و حکومتی که در آن زمان در بن روی آن توافق صورت گرفت ناشی از شرایط خاص آن زمان بود. انتخاب آقای کرزی در شرایطی که اشخاص مناسب تری نیز در میان کاندیدا ها وجود داشت بیشتر ناشی از اعمال نفوذ آقای خلیل زاد در این کنفرانس تلقی شد که در دوران جهاد با مجاهدین و پس از آن در کمپنی نفتی یونیکال با عده یی از افغان ها کار کرده بود. او از یاران تیم یونیکال برای رسیدن به قدرت در افغانستان حمایت کرد و نمایندگان مجاهدین در این کنفرانس وعده های امریکا را باور کردند و از آن به بعد با کرزی که فاقد یک پشتوانهء محکم مردمی در داخل بود مخلصانه همکاری نمودند.

آقای کرزی از سال ۲۰۰۱ میلادی تا کنون به عنوان رئیس حکومت موقت، رئیس حکومت انتقالی، و سرانجام به عنوان رئیس جمهور منتخب بر افغانستان حکم می راند. کرزی امتیاز دیگری بر دیگر کاندیدا ها نداشت و دلیل که موجب گردید تا شماری از رأی دهندگان وی را بر دیگر کاندیدا های ریاست جمهوری ترجیح بدهند این بود که کرزی به عنوان یک شخصیت مورد حمایت امریکا مطرح بود و برای ادامهٔ کمک های امریکا به افغانستان که در آن شرایط سخت به آن نیاز احساس می شد، کسانی حتی با دل ناخواسته به کرزی رأی دادند. بعضی از کاندیداهای ریاست جمهوری به روند انتخابات ریاست جمهوری در همان زمان اعتراض داشتند و مداخلات خارجیان در این روند کاملاً مشخص بود اما با وجود ملاحظاتی در این مورد، همه بنا بر مصلحت خاموش ماندند.

آقای خلیل زاد قبل از این که به مقام نمایندگی امریکا در سازمان ملل متحد منصوب گردد مدتی به عنوان سفیر و نمایندهٔ خاص رئیس جمهور امریکا در افغانستان ایفای وظیفه نمود در حقیقت رئیس جمهور حقیقی افغانستان در این دوران بود که کرزی بدون مشورهٔ وی دست به هیچ کاری نمی زد. او در آستانهٔ انتخابات پارلمانی افغانستان به سمت نمایندهء امریکا در سازمان ملل منصوب گردید و از افغانستان رفت. کرزی از زبان آقای شنواری رئیس ستره محکمه وقت تقاضای تمدید مأموریت وی در افغانستان را لااقل تا پایان انتخابات پارلمانی نمود که امریکا به این تقاضا توجهی ننمود.

با رفتن خلیل زاد یعنی رئیس جمهور پشت پردهء افغانستان، کرزی حمایت یک فرد قدرتمند در داخل حلقهء تصمیم گیری امریکا در مورد افغانستان را از دست داد و از آن پس مشخص شد که در مواردی که برای تعیین افراد رده های بالای حکومت، خود آقای کرزی تصمیم گرفت، متأسفانه افراد مطلوب کمتر شانس برگزیده شدن داشتند. کرزی به تدریج خود را در میان حلقه یی از عناصری دارای تمایلات خاص قومی محصور نمود و چنین حصاری در ایجاد فاصله میان وی و مردم بی تأثیر نبود. او هیچگاه تلاش نکرد تا برای خود یک تیم کاری قوی انتخاب نماید و اگر چنین کاری را انجام می داد، می توانست از مداخلهء خارجیان در امر حکومت بکاهد. و نیز چنین کاری می توانست وی را از حمایت مردمی برخوردار سازد اما او گمان کرد که کلید قدرت در دست امریکایی هاست و باید آنها را راضی نگهداشت. نگرانی از این که مبادا امریکایی ها از وی ناراضی شوند و مخالفان سیاسی اش از چنین وضعی به نفع خود بهره ببرند، به مشغلهء ذهنی دایمی وی مبدل گردید.

موضع گیری آقای کرزی علیه سیاست های انگلیس در هلمند، اخراج دو دیپلومات انگلیسی سازمان ملل متحد و مخالفت وی با تعیین آقای اشداون به عنوان نمایندهء خاص سازمان ملل متحد در افغانستان از جمله مواردی بود که به تصمیم فردی آقای کرزی رابطه یی نداشت بلکه بازتابی از مخالفت های امریکا و انگلیس در افغانستان بود که از جانب آقای کرزی و به حمایت از موضع امریکا ابراز شد. این درحالی است که در عراق نوری المالکی از سیاست های امریکا در آن کشور انتقاد کرد و به آنها به صراحت گفت که تصمیم در مورد آیندهء عراق را مردم عراق می گیرند. این که سناتور مک کین می گوید مالکی از کرزی قوی تر است به این معنی است که در سیاست با امریکا نباید دوستی را با اطاعت پذیری مطلق اشتباه گرفت.

سال آینده در امریکا انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد شد و یکی از همین دو کاندیدا به قصر سفید راه خواهد یافت. اکنون سؤال این است که با توجه به این که هیچ کدام از دو کاندیدا اوباما و مک کین در مورد کرزی نظر مساعد ندارند، سرنوشت سیاسی آقای کرزی چه خواهد شد؟

حالا به نظر می رسد که سمت وزش باد عوض شده و آقای کرزی کم کم به پایان خط نزدیک می شود. جمعی از یاران سابق او که با دو تابعیت سالها در مقام وزارت باقی ماندند اکنون که دانسته اند آقای کرزی در دورهء بعدی رئیس جمهور نخواهد بود، سعی دارند تا برای ماندن بر مسند وزارت با کاندیداهای دیگر در تماس شوند. این مساله موجب خشم آقای کرزی گردید و اعلام نمود که دیگر وزرایی را که دو تابعیت دارند تحمل نخواهد کرد اما بسیاری ها به این باورند که، دست کرزی در این رابطه هم چندان باز نیست.

البته در رابطه با مسایل امنیتی نیز این رئیس جمهور افغانستان نیست که تصمیم می گیرد. کرزی هیچ کنترلی بر نیروهای خارجی ندارد و نیروهای خارجی نیز هرگز به خواست های وی توجهی نداشته اند بنابراین ضعف امنیتی حکومت کرزی تا حد زیادی به خودسری ها و ضعف نیروهای امریکایی و یاران آنان برمی گردد که در این مورد کرزی را مقصر دانستن و ضعف امنیتی را نیز به ضعف وی رابطه دادن موجه نیست اما مسألهء فساد گستردهء اداری در کشور و سوء اداره که در گسترده شدن دامنهء ناامنی ها از مواردی است که به ضعف حکومت آقای کرزی رابطه دارد که متأسفانه برای فایق آمدن بر آنها این حکومت زمان وتوان کافی در اختیار ندارد.

اما سؤال عمده این است که در شرایطی که در بیش از نیمی از افغانستان شرایط امنیتی برای انتخابات مساعد نیست، چه راهکاری باید برای به میان آمدن یک حکومت جدید روی دست گرفته شود؟ تدویر لویه جرگه در آستانهء ختم معیاد حکومت فعلی برای تعیین یک رئیس جمهور جدید و یا ادامهء کار حکومت فعلی که دیگر هیچکس به کارایی آن باور ندارد و یا برگزاری انتخابات با تمامی عوارض احتمالی و یقینی آن؟

رویدادهای مهم هفته ...

این افراد شامل وکیل احمد متوکل وزیرخارجهٔ طالبان، ملاعبدالسلام ضعیف سفیر طالبان در پاکستان و داکتر حنیف سخنگوی اسبق گروه طالبان می باشند. دفتر سخنگوی ریاست جمهوری دراین مورد چیزی نگفته، اما این موضوع را رد نکرده است.

افغانستان گفتگو با پاکستان را به حال تعلیق در آورد

شورای وزیران روز دوشنبه ۲۴ سرطان با انتشار اعلامیه یی سازمان استخباراتی پاکستان و اردوی آن کشور را به نا امن ساختن افغانستان متهم کرد.

رئیس جمهور کرزی با انتقاد تند از استخبارات و اردوی پاکستان گفتگوهای دو جانبه میان افغانستان و پاکستان را به حال تعلیق در آورده است.

تلفات سنگین نیروهای خارجی در کنر

نیروهای آمریکایی متحمل یکی از سنگین ترین تلفات در افغانستان شدند. شورشیان روز دوشنبه ۲۴ سرطان به یک پایگاه نیروهای آمریکایی در یک منطقه مرزی میان کنر و نورستان، نزدیک مرز پاکستان حمله کردند که در نتیجه ۹تن از نظامیان آمریکایی را کشتند نیروهای خارجی با انتشار اعلامیه یی گفته اند که در حمله ۱۵ تن دیگر از نیروهای شان جراحت برداشته اند.

لوی سارنوال از وظیفه اش ...

رسانه ها گزارش دادند که آقای ثابت از سوی ریاست جمهوری کشور مجبور به استعفا شده اما مقامات مسؤول در ریاست جمهوری می گویند که نامزدی آقای ثابت دلالت بر استعفای او از سمت دادستانی کل کشور داردوقتی آقای ثابت اعلام کرد که او کاندیدای ریاست جمهوری است، برخی گمان کردند که او به توافق رئیس جمور به چنین کاری اقدام کرده است، اما دیده شد که او بدین سبب بر کنار شده است و این نشان می دهد که آقای ثابت با رئیس جمهور در افتاده است.

این که آقای ثابت با چه دست مایه یی وارد میدان رقابت انتخابات ریاست جمهوری شده و آرزوی نشستن برکرسی ریاست جمهوری افغانستان را در سر پرورانیده است، سؤالی است که نمی توان به زودی به آن پاسخ داد، بایدمنتظر ماند تادید که آیا این اقدام آقای ثابت به سان بسیاری از کارهای او ناشی از تندی و تهور مطبوع اوست یا از دقت و محاسبه یی برخوردار است.

"اوباما او مکین لخوا دکرزي دولت...

خپلولو سره حل کړي او دهیواد دهر ارخیزې رغاونې او بیا آبادۍ لپاره دنړیوالو مرستو دغه طلایي چانس چې د مختلفو ګواښونو په ببه دافغانانو په برخه شوی، له لاسه ورنکړي، ځکه د هیواد دتاریخ په دې حساس پړکي افغان ولس او د هغوي مطرح سیاسي قیادتونه او ملي شخصیتونه هغه دروند تاریخي مسؤولیت په غاړه لري چې په اړه یې دمعمولي غفلت او عاطفي دریڅ غوره کوونکي شایي راتلونکی نسل کله هم ونه بخښي په اړه یې تاریخ بیرحمانه قضاوت وکړي خو بیا به اوبه له ورخه تیرې وي.

نړیوال او امریکا چې دافغان ولس دخواخوږۍ په بنیاد د افغانانو دهیواددبیارغونې او دادمن امنیت دمینځ ته راوړلو او افغانستان پرخپلو پښو دودرولو نغمې همیشه زمزمه کوي، باید په خپلو پالیسیوکې دافغانانو ګټې هم په پام کې ونیسي، ځکه دهغوی لخوا غلط قدم اوچتول کولای شي د ټولي سیمې امنیت له ګواښ سره مخ کړي، کوم کارچې مغرضانه دوستان دافغانانو په دښمنانو بدلوي.



رشد جمعیت و افزایش ناهنجاری ها

محمد شریف شایق

۱۱ جولای برابر با ۲۱ سرطان مصادف بود با روز بین المللی جمعیت در جهان، از این روز همه ساله در کشورهای مختلف جهان تجلیل به عمل می آید، امسال در افغانستان نیز این روز از سوی وزارت صحت عامه و ادارهٔ مرکزی احصائیه نیز تجلیل شد.

روزجهانی جمعیت در افغانستان درحالی گرامی داشته می شود که رشد نامنظم جمعیت ، مهاجرت های داخلی، عدم دست رسی به خدمات اولیه، مرگ و میر مادران وکودکان، عدم دست رسی زنان به خدمات بهداشتی از دشواری هایی است که دولت افغانستان تا کنون در برابر یافتن راه حل آن ها نا توان است.

رشد سریع و نا منظم جمعیت

جمعیت افغانستان به صورت فزاینده یی رو به افزایش است، براساس آمار تخمینی ادارهٔ مرکزی احصائیهٔ افغانستان، جمعیت این کشور از ۲۱,۸ میلیون در سال ۱۳۸۱ به ۲۴,۵ میلیون در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است که این امر با توجه به وضعیت کنونی افغانستان نگران کننده است، زیرا در حال حاضر افغانستان به عنوان کشوربعد از جنگ درآمد بسیار کم دارد که نمی تواند جمعیت کنونی را کفایت کند و رشد سریع جمعیت در این کشور می تواند پیامد های نا گواری داشته باشد، افزایش آمار بی کاران، عدم دست رسی به خدمات اجتماعی، افزایش مهاجرت های داخلی و ده ها ناهنجاری اجتماعی دیگر می تواند از پیامد های رشد سریع جمعیت ناشی شود. داشتن چندین فرزند یکی از عوامل رشد سریع و نا منظم جمعیت درافغانستان است، زیرا بسیاری از خانواده ها تمایل دارند تا چند فرزند داشته باشند، اما این که تا چه اندازه می توانند زمینه های پرورش سالم را برای آن فراهم کنند به آن فکر نمی کنند.کارشناسان امور احصائیوی و سازمان های بین المللی رشد سریع جمعیت در افغانستان را با توجه به نبود خدمات اولیه مانند دست رسی به آموزش و پرورش، صحت، فقر و ... برای این کشور نگران کننده توصیف می کنند. و این افزایش در سال های اخیر بیشتر مشاهده می شود، زیرا براساس آمار سازمان ملل، افغانستان کشوری است که بیشتر جمعیت آن را کودکان زیر سن هفت تا پانزده سال تشکیل می دهد که این خود رشد سریع جمعیت در سال های اخیر را نشان میدهد.

پیامدها

رشد سریع در افغانستان کشوری که تمام زیر ساخت های آن در زمان جنگ نا بود شده سبب می گردد که جمعیت روستایی کشور به دلیل فرار از فقرو بیکاری، عدم دست رسی به خدمات آموزشی، خدمات درمانی و ... به شهر ها مهاجرت کنند و این مهاجرت ها دشواری های فراوان دیگر را به بار می آورد که متأسفانه امروز شهر کابل پایتخت افغانستان شاهد چنین وضعیت است. روستانشینان برای دست یابی به امکانات اولیه زندگی به شهرها آمده اند، اما بدبختانه این روستا نشینان علاوه بر آنکه به هیچ نوع رفاهی دست نیافته اند، مهاجرت شان به شهر ها سبب شده است که از یک طرف تولیدات زراعتی و دامداری در محلات روستایی کاهش یافته و از سوی دیگر افزایش جمعیت در شهر ها با وجود آن که دولت در فراهم آوری امکانات اولیه برای شان ناکام بوده و نتوانسته است که خدمات اولیه را برای شان فراهم آورد، تراکم جمعیت در شهر ها باعث شده است که دولت از کنترل جمعیت نا توان مانده و تراکم جمعیت در شهر ها باعث افزایش دشواری های دیگری مانند، آلودگی محیط زیست، افزایش جرایم و ... شده است. اما اگر دولت در این راستا اقداماتی جدی نکند دچارشدن افغانستان با دشواری های دیگر دور از احتمال نیست.

دست رسی به خدمات اولیه

دشواری های موجود در افغانستان نشان می دهد که بیشتر شهروندان این کشور از دست رسی به خدمات اولیه زندگی محروم هستند، در حال حاضر بیش از ۶۵ در صد جمعیت افغانستان بی سواد است، تنها ۲۰ درصد زنان در افغانستان به مراکز صحی دست رسی دارند و سالانه ۲۴ هزار زن در وقت زایمان از بین می روند، آمار فوق بلند ترین رقم وفیات را درجهان نشان می دهد، همچنان براساس ارقام ارائه شده از سوی وزارت صحت عامه، افغانستان بلندترین رقم مرگ و میرمادران را درآسیا و دو مین رقم مرگ و میر مادران را درجهان داراست یعنی درهرصد هزارتولد زنده یک هزاروششصد مادرجان خود را نسبت اختلاطات حاملگی و ولادت از دست می دهد این رقم درولایات کوهستانی بلندتراست، تولدات بدون وقفه، نبود آگاهی از مسایل باروری زنان، فقر و فقدان امکانات لازم زندگی، ازدواج های قبل از وقت، بی توجهی به صحت مادران، بی سوادی و نبود امکانات صحی در افغانستان از عوامل مهم این فاجعهٔ انسانی است.

دولت افغانستان علی رغم حمایت جامعهٔ بین المللی در شش سالی که گذشت نتوانسته است در راستای کاهش فقر و بیکاری، تقویهٔ معارف، گسترش خدمات صحی، برق، آب، محیط زیست و مسکن برای شهروندان افغانستان گام های مؤثری را بردارد که متأسفانه هنوز هم این کشور با مشکلات فراوان رو به روست وکارهای زیر بنایی و تحول آوری که بتواند، امید وارکننده باشد صورت نگرفته است، مثلا در بخش آموزش و پرورش دانش آموزان در بیشتر ولایات از نداشتن ساختمان، مواد درسی، معلم مسلکی، کرسی و... رنج می برند و شعار های بلند بالای وزیران معارف تحولی قابل ملاحظه در وضعیت معارف به وجود نیاورده است، در عرصه های فراهم آوری زمینه های صحی نیز دولت موفقیت چندانی نداشته است، تداوم مرگ و میر مادران و اطفال در اثر نبود مراقبت های صحی، افزایش سوء تغذیه در میان کودکان از نشانه هایی است که دولت افغانستان توانایی تأمین زندگی بهتر برای شهروندان این کشور را ندارد.

راهکارهای بازدارندهٔ رشد نا منظم جمعیت

رشدنامنظم جمعیت دراین کشور بدون شک فاجعه باراست و ضرور است تا دولت برنامه هایی را به منظور جلوگیری از رشد نا منظم جمعیت تدوین کند و به مرحله اجرا بگذارد. درکلیت می شود با در نظر داشت نقاط مهم این راهکار از رشد نا منظم جمعیت جلوگیری کرد:

- ✓ تشویق به آماده کردن شرایط تربیتی و بهداشتی فرزندان وتوضیح پی آمدهای ناگوار وعدم توجه به مسایل.
- ✓ معرفی روش های طبی ایجاد فاصله میان ولادت ها
- ✓ جلوگیری از ازدواج های قبل از وقت.
- ✓ راه اندازی برنامه های تبلیغاتی به منظور آگاه ساختن زنان و مردان از مسایل اجتماعی و صحی.

همچنان توجه به رشد زیرساخت های توسعه در دهات مانند زراعت، مالداری و ایجاد اشتغال برای بیکاران نیز می تواند در صورت رشد جمعیت نیز از نا هنجاری های ناشی از افزایش جمعیت درشهر ها جلوگیری کند.

د کرزي دولت د ناکامۍ لاملونه

افغـان ولـس بـه نـور د آرام سـاه واخلـي او د نړیوالـو مرسـتو پـه برکـت بـه د هراړخیـزو تباهیو تـدارک وکړاي شـي او سیاسـي قیـادت او ولسمشر بـه کـار دکـار وړ خلکـو تـه د سپارلو لـه لیـاري -چـي د ولسمشر لاډ پخوا څخـه پـه خولـه شعار ؤ . پـه پلـي کولـو سـره افغـان ولـس د دې جوګـه کـړي چـې د پرمختـګ کـاروان پیـاوړی کـړي او ځـان د ټولنـو او هیوادونـو سـره سیـال کـړي، خولـه بـده مرغـه چـې زمـونږ د افغـان ولـس لـه ارزوګـانو څخـه یـوه ارزو هـم پـوره نـشوه، چـې د دغـې تبـاهۍ او ناکـامۍ بـه بنـاېي ګـڼ عوامـل اوسـي خو مـونږ یـې دلتـه ځینـو تـه نغوتـه کوو:

لومړی: دنړیوالـو لـه حـضور سـره دافغانـانو اوسـنی سیاسـي قیـادت لـه پخـوا زیـات لـه دینـي ارزښـتونو څخـه لیـري شـو او د الله پـه مرسـته او د اسـلامي امـت پـه خوا خوږۍ سره ګټلـي جهـاد مـو د مـادي ګټـو او هـوس پرستېو پـه خپلولـو سـره لـه مجاهـد افغـان ولـس څخـه معنویتونـه پورتـه کـړل او د نـوې اداري د تـشکیل او مینـځ تـه راتـګ پـه پروسـه کـې د اسـلامي او ملـي ارزښـتونو تـه د پـاس لرنـي ځـاې، یـو ځـل بیـا هـوس پرسـتېو او د پردیـو سـره تـړاؤ ونیولـو او خبـره دې تـه ورسـیده چـې اسـلامي شـعایر، لکـه: ږیـره پریـښودل او اسـلامي هویـت لـرل دمخـدره مـوادو پـه څېـر (البتـه دنـورو ټولنـو پـه تـصور سـره) یـو بـار او سـتونزه وګرځیـده او د یـوې مخـې د طالـب واکمنـۍ پـه پـاې تـه رسیدو خلکـو داسـې وانګیرلـه چـې ګویـا لمونځ او نـور عبـادات او اخلاقیـات د طالبـانو ځـانګرنې وې او اوس یـې نـور وخـت تیـر دی. چـې دهغـې مظهـر نـن د هېـواد پـه ملـي پولیـسو او ملـي اردو کـې جـذب کیـدونکو ځوانـانو کـې هـم لیـدل کیـږي، پـرون همدغـه افغانـان د اسـلامي هویـت لرونکـي ؤ او نـن د دې لپـاره چـې ځانونـه روښـنفکران وښـایي، لـه وزیـر، معـین، مـشاور، رئـیس او تـر مـامور او د اردو او پولیـسو پـه لیکـو کـې جذبیـږدونکېو ځوانـانو پـورې ډیـرو یـې خپـل هویتونـه بـدل کـړي او غربـي سـتایل یـې غـوره کړی.

دوهـم: د هېـواد د سیاسـي قیـادت اړیکـي یـوازې هماغـه هیوادونـو سـره پـاتې شوې چـې د غیـر اسـلامي هیوادونـو پـه نـوم پیژنـدلای شـي، د بـن د پریکـړې وروسته دولت کلـه هـم ځـان دې تـه اړ و نـه ګڼلـو چـې د اسـلامي هېوادونـو او اسـلامي امـت سـره د اړیکـو غـښتلي کولـو هڅـه وکـړي؛ د هغـې یـوه نمونـه اوبېلګـه دا ده چـې دادی د اوو کلونـو پـه تیریـدو سـره تـر اوسـه د اسـلامي نـړۍ هـیڅ یـو نومانـد مـسلمان رهبـر او

> **د ریاستي او پارلماني ټاکنو په مهال پر ځاي د دې چې دهېواد بابصیرته، دردیدلي او د خدمت د ریښتوني جذبې لرونکي افغانان مطرحو سیاسي لوریو (دولت) ځانته نږدې کړي واي، پرځاي یې خود غرضه، د پردیو سره تړاؤ لرونکي او د مخدره موادو نړیوال قاچاقبر او د زر او زور خاوندان د سیاسي قیادت او په ځانګري توګه د ولسمشرحوارین او فعالین وګرځیدل**

دعـوتګر زمـونږ هېوادتـه رانغـی چـې دا دهېـواد دسیاسـي قیـادت کمـزوري ده، دوی فکـر وکـړ چـې د امریکـا او لویـدخوالو مرسـتي زمـونږ لپـاره هـر څـه دي، پـه داسـې حالـ کـې چـې د دوی لخـوا مرسـتې هـم زمـونږ دهېـواد سـره د وعـدې سـره سـم ونـشوې او دلتـه د دوی حـضور د اسـلامي امـت د اسـلامپالو لـه حـضور پرتـه مونږ پـه نوې کړاو اختـه کړو.

دریـم: د اسـلامي کنفـرانس وجـود تـه د هېـواد سیاسـي قیـادت بـې اعتنـایي، او ورسـره ورسـره د طالبـانو پـه څیـر، چـې هغـوی هـم یـوازې پـه څـو پلـوي هېوادونـو اتکـاء درلـوده، د اوسـني دولـت یـوازې پـه ځواکمنـو او اسـتعمارګرو هیوادونـو اتکـاء، دواړه ورتـه تجربـې دي چـې د دواړو پـایلې ناسـمې دي؛ طالبـانو د نـوري نـړۍ لـه پامـه هېـواد لیـري سـاتلي ؤ او اوسـني دولـت لـه اسـلامي کنفـرانس، او پـه مجموع کې له اسلامي امت څخه.

څلـورم: د ریاسـتي او پارلمـاني ټـاکنو پـه مهـال پـر ځـاي د دې چـې دهېـواد بابـصیرته، دزدیـدلي او د خـدمت د ریـښتوني جـذبې لرونکـي افغانـان مطرحـو سیاسـي لوریـو (دولت) ځانتـه نـږدې کـړي واي، پرځـاي یـې خـود غرضـه، د پردیـو سـره تـړاؤ لرونکـي او د مخـدره مـوادو نړیوالـ قاچـاقبر او د زر او زور خاونـدان د سیاسـي قیـادت او پـه ځـانګري توګـه د ولسمـشرحوارین او فعـالین وګرځیـدل او د همـدوۍ مـشورو او فعـالیتونو د هېـواد نـوې جـوړې شـوې اداري قبلـه ترسـیمو لـه او سیاسـي سـتراتیژي یـې جوړولـه او لایـې جـوړوي، چـې ډیـری یـې نـه سیاسـي بـصیرت لـري او نـه ریښـتیني ایمـاني او افغـاني جذبـه، او نـه هـم اسـلامي او ملـي ارزښـتونو تـه پـاس لرنـه، چـې دهمـدوۍ د خـود غرضـانه پالیـسیو پـه نتیجـه کـې دپارلمـاني ټـاکنو پـه مهـال پـه اړونـدو ادارو کـې هغـه خلکـو ځـاي ومونـده چـې د دوۍ لپـاره یـې د قـرنطین بـڼکلي رهبـري شـوې وسـله وکارولـه او ولـس یې له دولت څخه لیري کړ.

پـنځم: پـه مـسؤولیتونو او وظـایفو دګمـارلو پـه لـړ کـې د (اصـلاحات اداري او خدمات ملکـي) تـر نامـه لانـدې همـدا اوس اوس هـم دچـل ول پالیـسۍ او د ټـولنیزې بـې انـصافۍ تـګ لاره پـرمخ بیـول کیـږي، چـې پـه دې پروسـه کـې د لیاقـت، استعداد، وطـن پـالنې او تجربـې او وړتیـا پـر ځـاي انـډیوالۍ، ګونـدي تړاونـه او خپلـوۍ پالـل کیـږي او د ولسمـشر لخـوا څخـه زمزمـه کیـدونکي شـعار (چـې کـار دکـار وړ خلکـو تـه وسـپارۍ) اوس یـو مـسخره ګرځیـدلي او د هغـې ثبـوت پـه خپلـه دولـس مـشر اعتـراف دی چـې پـه دولتـي ادارو کـې فـساد، اخـتلاس او رشـتونه اوج تـه رسیدلي، دا د همـاغو کـړ لاریـو نتیجـه ده چې د اداري اصـلاحاتو پـه نـوم دفتـر، چـې عـام ولـس ورتـه د (اداري افـساداتو او شیطاني خـدماتو دفتـر) وایـې، نـن د هـر وزارت پـه چوکـاټ کـې هغـه خلـک کـښېنولي چـې دپورتنیـو نـاروغیو سـرچینه دي او ځانونو تـه ورتـه خلـک، پـه نـورو ځوکیـو بانـدې لـه ځـان سـره ټـاکي چـې لـه املـه یـې د ټـولنیز عـدالت اصـل هغـه چـې د دولت لـه ټولـو سـتره دنـده ده، لـه ګـوابښ سـره مـخ دی او د همدغـه پروسـې پـه تطبیـق کـې بـې عـدالتۍ ددې لامـل ګرځیـدلی چـې ډیـر دولـت تـه خواخـوږې خلـک لـه دې املـه چـې د دې چـل ول پروسـې پـه غلبیـل کـې پـاتې شـو اوس لـه دولت څخـه بـې زاره دي، ورڅخـه یـې فاصـله نیـولي او د طالبـانو لیکـو تـه ورځي.

به بهانهٔ دومین سال وفات

یادی دیگر از دکتر توانا (رح)

بقیه از صفحهٔ اول

و تذکر از این حرکت ها چهرهٔ این شخصیت های را در اذهان برجسته می سازد.

این از یک طرف اما از طرف دیگر، ابعاد زندگی شخصیت ها در جنبش ها آنگاه به جلوه می نشیند که بسترها ومحیط های رشد وبالندگی آن ها، به گونه یی از گونه ها دچار بحران واضطراب گردد.

شخصیت مرحوم شاد روان استاد توانا را می توان در چنبرهٔ چنین بینشی به بررسی گرفت و ابعاد مختلف زندگی او را، در خیزش سترگ و رستاخیز بزرگ اسلامی کشور کالبد شگافی کرد.

ابعاد شخصیت استاد توانا را، باید در دو بعد ذیل مورد توجه قرارداد:

- بعد علمی
- بعد اجتماعی وسیاسی

درمورد شخصیت علمی استاد توانا و شگوفایی و بالندگی او، به گونهٔ فشرده باید یاد آورشد که اثر علمی او در دورهٔ دکتری در مورد اجتهاد (الإجتهاد و مدی حاجتنا إلیه فی العصر الحاضر) همین اکنون در بسیاری از مجامع علمی و دانشگاه های اسلامی و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در عرصهٔ اصول فقه اسلامی به حیث یک مرجع گرانبها و با ارزش مورد استفاده بوده و همه پژوهندگان این گونه مباحث، از چشمه ساران نظریات اصولی او، به ویژه در عرصهٔ "اجتهاد" عطشان علمی خود را فرو می نشانند، عصری که مسلمانان در دوران انحطاط خود، دروازهٔ اجتهاد را مقفول می پنداشتند که بهای

این پندار نادرست خود را با دوری از کاروان نظریه پردازی ها در عرصه های زندگی در پاسخ به متطلبات و خواسته های زمان، در پرتو ثوابت خویش پرداختند. استاد توانا با طرح نظریهٔ "ضرورت اجتهاد" در خط پیش کسوتان انگشت شمار این نظریه- در دوران بیداری مسلمانان از خواب چندین صد ساله – قرار گرفت واین نظر "ابن قیم رح" را تعقیب کرد که می گفت: کسانی که بدون درک و شناخت اصل زندگی خود فتواها شان را بر بنیاد منقولات در کتاب های فقهی گذشتگان صادر می کنند، هم خود را گمراه کردند و هم مردم را" . دراین ارتباط بی جا نخواهد بودنظر استاد توانا را در مورد به اصطلاح قرائت های نو دینی که در حوزهٔ جدا از جستارهای علمی ما، قد بر افراشته، جویا شدم و فرازهایی از کتاب های عبدالکریم سروش چون " قبض و بسط تئوریک شریعت" و "تجربه نبوی" را در مورد دین و فهم دینی و... از نظر گذرانیدیم، زیرا این گونه بحث ها بیشتر به علم اصول فقه مربوط می شود تا علوم دیگر...

آخرین حرف او البته بعد از جر وبحث فراوان در این زمینه این بود که : "در زمان ما قطع ریشهٔ دین باوری، در دو چهره صورت پذیرد:

۱- در چهرهٔ دشمنان دین

۲- در چهرهٔ دوست نمایان دینی که منکر ماورایی بودن دین، اند.

شخصیت استاد توانا در بعد اجتماعی آن: دراین بعد دورنگری مرحوم دکتر در قضایای ملی ـ داخلی، مورد توجه قرار می گیرد که به گونه نمونه یکی از مواردی را که بنده در جریان آن نیز قرار داشتم تذکر می دهم:

پیش از کودتای یازده جدی ۱۳۷۲ در ماه عقرب، روزی استاد توانا گفت می خواهم از نزدیک با انجنیر مسعود دیدار وگفتگوی داشته باشیم، زمینه این کار از طریق مخابره برابر و جای ملاقات تعیین گردید. قرار براین شد که بعد از ظهر همان روز در کارتهٔ پروان در یکی از مراکز مربوط به آمر صاحب شهید زمینهٔ دید وادید فراهم گردد ومن واستاد به آنجا رفتیم، آمرصاحب همه مراجعان را جواب داد و در اتاقی باهم نشستیم. در این مجلس نخست استاد توانا از نا هنجاری های وضع حاکم در کشور، سخن گفت وبه تحلیل اوضاع و پیامدهای آن پرداخت و بیشتر شدن فاصله وسوء تفاهم درمیان قومیت های تحت سلطه دولت را که از رهگذرتبلیغاتی همسایه های آز مند وکاستی های داخلی رو نما



با درد وافسوس که اکنون از صحبت ها و نصایح آن ابر مرد علم وتقوا محرومیم و ای کاش زمینه وامکانات آن فراهم گردد که کتاب او را ترجمه وکسانی که با استاد توانا در مراحل مختلف زندگی او حشر ونشر بودند یاد داشت های خود را بنویسند تا حق وی ادا گردد.

گردیده بود، مورد ارزیابی قرار داد.

بعد از سخنان استاد توانا که طبیعتاً صحبت هایش مدت کوتاهی را در برمی گرفت، آمر صاحب - همان گونه که عادت او بود- به تحلیل وضع نظامی و اجتماعی به سخن آغاز کرد.

دراین جا این نکته را نباید فراموش کرد که انجینر صاحب مسعود احترام ویژه یی به موقف علمی، قاطعیت و صراحت طبیعت لهجه که استاد توانا داشت واز حسن نیت استاد نسبت به امور جبهات در داخل که تحت نظارت آمر صاحب قرار داشت، همواره به نیکی یاد می کرد، اما آمر صاحب در ادامهٔ این صحبت خود گفت که: ما مسلمانان همیشه خوش باور و ساده اندیش هستیم وبسا اوقات از گپ های ظاهری مردم فریب می خوریم، دراین وقت استاد توانا در مورد صحبت های آمرصاحب که متوجه حرکت هایی در شمال کشور بود گفت: با قبول حرف های شما همان گونه که کاستی های دیگران را انگشت شماری می کنیم نباید کاستی های خود را هم از نظر دور اندازیم وبا همه آنچه شما گفتید باید دورنمای این گونه موضع گیری ها را در نظر داشته باشیم واز عواقب آن غافل نباشیم.

همین که ازنزد آمرصاحب برآمدیم ودرمسیر خیرخانه رهسپار خانه استاد شدیم استاد برایم گفت متوجه شدی که ما را ساده انگاشتند، من این حرف ها را از روی دلسوزی می گویم اما به آذان ملای غریب نماز نمی خوانند...

استاد توانا از این حرف ها ونظریات آمر صاحب تا جایی متأثر معلوم می شد و پسان ترها عوامل دیگری به میان آمد که منجر به رفتن استاد توانا به شمال شد که خود بحث دیگری است. در همین ارتباط این نکته را قابل تذکر می دانم: وقتی که طالبان کابل را اشغال کردند و رهبری دولت روانه شمال گردید و در تالقان مرکزیت گرفت وزی خبریافتم که استاد توانا در قرار گاه انجنیر روئین والی تخار تشریف آورده است، و می خواهد با استاد صحبتی داشته باشد، بنده استاد را در جریان قرار دادم و بعد از ساعتی در معیت استاد به نزد توانا صاحب رفتیم، استاد بعد از صحبت های مقدماتی با استاد توانا، گفتند: توانا صاحب نظریات دورنگرانهٔ شما همواره مفید بوده در شرایط خاص کنونی نظر من این است که شما ما را از نظریات خود بهره مندسازید. استاد توانا با تبسم های خاصی که داشت گفت کدام وقت آنچه را که من مفید تشخیص دادم در اختیار شما نگذاشتم؟ اما به آذان ملای غریب کسی نماز نمی خواند، مجلس با تبسم هایی از دو جانب که شخصی سوم من بودم پایان یافت.

با درد وافسوس که اکنون از صحبت ها و نصایح آن ابر مرد علم وتقوا محرومیم و ای کاش زمینه وامکانات آن فراهم گردد که کتاب او را ترجمه وکسانی که با استاد توانا در مراحل مختلف زندگی او حشر ونشر بودند یاد داشت های خود را بنویسند تا حق وی ادا گردد. روح استاد شاد ویادشان زنده باد

وعده های نامتحقق دولت در مبارزه با کشت خشخاش ...

به گزارش سازمان ملل متحد، طالبان از دهاقین مالیه (عشر، ۱۰ درصد کل محصول) اخذ می کنند که در سال جاری نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار تخمین شده است.

به گفتهٔ کوستا، انتظار می رود ولایاتی زیاد امسال از وجود تریاک پاک گردند. این مقام سازمان ملل گفته است که امسال ما به هدف عاری ساختن نصف ۳۴ ولایت افغانستان از محصولات تریاک نائل خواهیم آمد. موصوف گفته است که موفقیت بیشترین در این عرصه وابسته به طرز برخورد والیان، راستکاری و حمایتی است که ایشان دریافت می نمایند، خواهد بود.

اما تا حال حمایتی که والیان دریافت کرده و توانسته باشند با دریافت این حمایت کشاورزان را راضی بسازند و حمایت آنان را جلب کنند، از عکس العمل ها چنین برمی آید که، همه در قالب وعده های میان تهی باقی مانده است و مساعدت ها به مناطقی راه باز کرده است که در آنجا تشنج بیشتر و کشت و قاچاق مواد مخدر به اوج خود رسیده است.

ولایات بلخ، سمنگان، بغلان، بدخشان، فاریاب و هرات از جمله ولایاتی هستند که کشت تریاک را ممنوع اعلام داشتند و زارعان امید وار بودند که دولت پول وعده داده را در اختیار شان قرار می دهد و با این پول می توانند از یکسو در اعمار و بازسازی ولایات شان استفاده نمایند و از جانب دیگر زمینهٔ کار را برای تعدادی از بیکاران که در وضعیت بد اقتصادی بسر می برندفراهم سازند،که متاسفانه چنین نشد.

استاد عطامحمد نور والی بلخ، با خوشبینی های که قبلاً داشت، هفتهٔ گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی لب به اعتراض گشود جامعه جهانی ودولت افغانستان را مورد انتقاد قرارداده گفت، هرچند که مردم ساکن در ولایات شمال کشور بر اساس رسالت دینی و ملی شان کشت مواد مخدر را به صفررسانیده اند و در این اواخر چهارهزارجریب زمین زراعتی از وجود بته های چرس نیز پاک سازی شده است، اما وعده های صورت



والی بلخ هشدارداد، هرگاه ولایات شمالی کشور از جمله مردم ولایت بلخ مورد کم لطفی وبی مهری دولتمردان وکشورهای کمک کننده قراربگیرند، این کار بر اوضاع امنیتی دراین مناطق اثر نامطلوب خواهد گذاشت

گرفته مبنی بر دادن کمک به کشاورزان و ایجاد پروژه های توسعه یی ازسوی دولت و جامعهٔ جهانی تاحال محقق نشده است.

والی بلخ هشدارداد، هرگاه ولایات شمالی کشور از جمله مردم ولایت بلخ مورد کم لطفی وبی مهری دولتمردان وکشورهای کمک کننده قراربگیرند، این کار بر اوضاع امنیتی دراین مناطق اثر نامطلوب خواهد گذاشت.

به همین ترتیب مسؤولان شورای ولایتی سمنگان نیز به دولت هشدار داده اند، در صورتی که کمک های وعده داده شده از جانب دولت در ارتباط به امحای تریاک در اختیار شان قرار نگیرد، کشت تریاک را در آن ولایت از سر خواهند گرفت.

سمنگان نیز از جمله ولایاتی است که زارعان آن به اثر سعی و تلاش ادارات محل و تبلیغ علما به کشت تریاک پشت پا زده اند. البته در حالی که مردم آن ولایت از گرسنگی می میرند و به جای غذا علف می خورند، کودکان شان را به خاطر زنده ماندن خود و آن ها به فروش می رسانند از برنامه دولت مبنی بر ریشه کن کردن خشخاش حمایت کرده اند.

سراج الدین رئیس شورای ولایتی سمنگان به رسانه ها گفته است مردم این ولایت با آن که دو سال قبل کشت مواد مخدر را به صفر رسانیده اند، اما تاکنون کمک های وعده داده شده ازسوی دولت برای بهبود وضعیت دهقانان، عملی نشده است.

رئیس شورای ولایتی سمنگان، با اشاره به وضعیت بد اقتصادی مردم و متضررشدن اهالی آن ولایت از ناحیهٔ خشک سالی گفته است، همانگونه که درحالات اضطراری و بیم از مرگ، استفاده از گوشت برخی حیوانات حرام را، اسلام برای انسان مجاز می داند، اگرمردم ولایت سمنگان ازبحران مواد غذایی ومشکلاتی که دامنگیرشان است، رهایی نیابند، کشت تریاک را برای شان مجاز خواهند دانست.

حاجی عبدالله سخنگوی شورای ولایتی سمنگان نیز در این ارتباط گفته است، با وجودی که چندین بار از سوی مسؤولان محلی برای مقامات دولتی درمرکزنسبت به وضعیت بد معیشتی مردم ابراز نگرانی شده است، اما گوش شنوایی وجود نداشته تا به داد مردم این ولایت رسیدگی شود. درصورت عدم تحقق کمک ها، به احتمال قوی، مردم کشت کوکنار را از سرخواهند گرفت.

در صورت بی توجهی دولت به هشدارزارعان شمال احتمال آن وجود دارد که کشت تریاک در شمال بار دیگر از سر گرفته شود و این ولایت با بحران بی امنیتی رو به رو گردد.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ نهم شنبه ۲۹ سرطان ۱۳۸۷- ۱۵ رجب المرجب ۱٤۲۹ - 19, July 2008

فاضل سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی:

دولت در صدد افزایش نا امنی هاست

سید آقاحسین فاضل سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی هفته گذشته ضمن انتقاد از سیاست امنیتی دولت افغانستان، دولت را به تشنج آفرینی متهم کرد. آقای سانچارکی گفت که دولت در صدد آن است تا با متشنج ساختن اوضاع امنیتی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را نا ممکن جلوه دهد و لویه جرگه یی را برگزار کند تا بدین وسیله رئیس جمهور کرزی پنج سال دیگر هم در مقام ریاست جمهوری افغانستان باقی بماند. به گفتهٔ آقای سانچارکی کارهای مقدماتی برای برگزاری چنین لویه جرگه یی جریان دارد و دراین جرگه مقامات دولتی تلاش می کنند تا افراد وابسته به خود را دعوت کنند. سخنگوی جبههٔ ملی از افزایش نا امنی ها



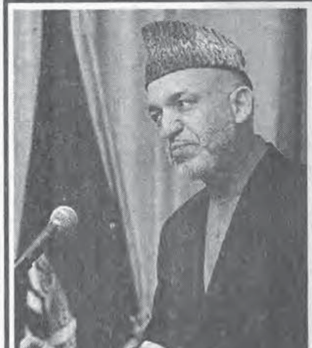
در افغانستان انتقاد کرد وگفت که نا امنی ها درجنوب در حال افزایش است و نفوذ مخالفان مسلح درشمال نگران کننده است.

آقای سانچارکی افزود که شهر کابل در حال حاضر در محاصرهٔ مخالفان مسلح دولت قراردارد. موصوف دراین نشست خبری به طرحی اشاره کرد که سال گذشته از سوی جبههٔ ملی برای بهبود امنیت به دولت افغانستان سپرده شده بود، اما دولت در برابر آن بی اعتنایی کرد، سخنگوی جبههٔ ملی یک بار دیگر از دولت افغانستان و نهاد های بین المللی خواست که به طرح مذکور توجه کنند.

سانچارکی گفت که مطابق قانون اساسی انتخابات باید در وقت تعیین شده اش برگزار شود. تلفات غیرنظامیان در بمباردمان نیروهای خارجی، ترورشخصیت های وابسته به جبههٔ ملی، حمله به سفارت هندوستان درکابل و درگیری ها میان باشندگان بهسود و کوچی ها از مسایل دیگری بود که آقای سانچارکی به آن ها اشاره کرد.

د کرزي دولت د ناکامۍ لاملونه

شفیق



هسي خو هیواد له دریو لسیزو راهیسي د پر له پسي جګړو، نا آرامیو، هجرتونو او یو داسي هر اړخیز ناورین سره مخ دی چي ښایي د قلم ژبه یې بشپړ انځورونه کړای شي! د کورنیو جګړو څخه ستړو افغانانو د بن د پرېکړې په نتیجه کي راغلیو ادارو (لنډ مهالو، منځمهاله او د تولتاکنو وروسته له کرزي دولت) څخه دا هیله لرله چي نوموړي او زمونږ د هېواد په سیاسي افق مطرحې سیاسي ډلي او څېرې به د افغانانو دغه څپو راختي بیړۍ په خپل سیاسي بصیرت ساحل ته ورسوي او لدې وروسته به یې د ټولنیز انصاف، دیني تړاو او ربښتوني جذبې په خپلولو سره د کورنیو جګړو له بدو عواقبو، تربګنیو او هوس پرستېو له ګرداب څخه وباسي، له هیواده بهر دردیدلي مهاجرین به خپل ټاټوبي ته راستانه شي او د فقر، ولږې او محرومیتونو ښکار

پاتې پر ۶مخ

وعده های نامتحقق دولت در مبارزه با کشت خشخاش

هشدار والی بلخ و شورای ولایتی سمنگان به دولت

ثامر

کشت خشخاش در اثر اوضاع ناشی از جنگ و نا امنی در طی چند دهه اخیر رو به رشد داشته است.

بعد از تحول سیاسی جدید درافغانستان دولت برای نابود کردن مواد مخدر دست به اقداماتی زد و نهادهایی را برای مبارزه با آن ایجاد کرد، ایجاد وزارتی به نام مبارزه با مواد مخدر و معینتی به همین نام در چهارچوب وزارت داخله ازاولین اقدامات دولت بود.

دولت افغانستان را در نا بودسازی کشت تریاک جامعهٔ جهانی به طورجدی حمایت می کند و هزینه های هنگفتی



را برای نا بودی این پدیده در اختیار دولت افغانستان گذاشته است، دولت وعده داده است که حدود یک تا دو ملیون دلار را به ولایاتی اختصاص می دهد که کشت تریاک در آن ولایت ها به صفر رسیده باشد و گفته می شود از این پول در بازسازی و عمران آن ولایت و سایر برنامه های رفاهی برای باشندگان آن کارگرفته می شود که شاید یک بدیل در آمد مواد مخدر همین باشد. اما متأسفانه وعده های مقامات دولتی در بعضی ولایات جامهٔ عمل نپوشیده است.

بی توجهی دولت به ولایاتی که کشت تریاک در آن ها نابود شده است می تواند زارعان را وا دار به کشت دوبارهٔ آن نماید، در حال حاضر کشت تریاک در افغانستان از جدی ترین دشواری هایی است که جامعه بین المللی نیز از آن نگران است.

رئیس اجرایی دفتر ملل متحد آقای کوستا در جلسهٔ مشترک هماهنگی و نظارت طی گزارشی درشهر توکیو، گفته بودکه کشت تریاک در افغانستان ممکن است به نقطهٔ اوجش رسیده باشد، اماآمار تخمینی ۲۰۰۸ به طور وحشت آوری بالاتر از این خواهد بود.

آقای کوستا تریاک را منبع بسیار بزرگ عایداتی طالبان وانمود کرده و گفته است، بیشتر از سه قسمت کل تریاک افغانستان در ساحاتی زرع می گردد که از کنترل دولت افغانستان خارج است. ادامه درص۷

رویداد های مهم هفته

حملهٔ انتحاری در ارزگان

قبل از ظهر روزیکشنبه ۲۳ سرطان یک حملهٔ انتحاری در ولسوالی دهراود ولایت ارزگان باعث کشته شدن بیست تن ومجروح شدن ده ها تن دیگر گردید. جمعه گل همت فرماندهٔ پلیس ولایت ارزگان به رسانه ها گفته است که کشته شدگان شامل چهار پلیس و شانزده تن دیگر از غیرنظامیان بوده اند. درمیان قربانیان این رویداد کودکان نیز شاملند.

حملهٔ طالبان پاکستانی به نورستان

طالبان پاکستان روز یکشنبه ۲۳ سرطان از ناحیهٔ ایالت چترال پاکستان به ولسوالی برگمتال ولایت نورستان حمله کردند، اما این حمله شورشیان پاکستان با مقاومت پلیس ومردم محل رو به رو شد، زمری بشری سخنگوی وزارت داخله گفت که در این درگیری ۵ تن از طالبان کشته و ۱۳ تن دیگر شان جراحت برداشته اند.

اختطاف یک سناتور در لوگر

دکتر عبدالولی احمدزی سناتور ولایت لوگر در مجلس سنا روز یکشنبه ۲۳ سرطان از سوی افراد مسلح ربوده شد. طالبان مسؤولیت این آدم ربایی را به دوش گرفتند. گروه طالبان تهدید کرده اند که راه اندازی هرگونه عملیات دراین ولایت به کشتن این سناتور می انجامد.منابع دولت نیز از جستجوها به منظور رد یابی این سناتور سخن گفته اند.

کشته شدن ۴۰ شورشی در هلمند

نیروهای ائتلاف بین المللی و نیروهای دولتی روز دوشنبه ۲۴ سرطان از کشته شدن نزدیک به چهل شورشی در ولسوالی سنگین ولایت هلمند خبر دادند، در خبر های منتشرشده آمده است که این طالبان زمانی کشته شدند که بالای کاروان نیروهای داخلی وخارجی حمله کردند، اما نیروهای افغانستان و خارجی با گشودن آتش متقابل چهل تن از این شورشیان را کشتند.

بازداشت یک انتحارکنندهٔ پاکستانی در کابل

نیروهای امنیت ملی روز دوشنبه ۲۴ سرطان فردی را که قصد داشت به حمله انتحاری در کابل دست بزند از ساحهٔ دهمزنگ کابل بازداشت کردند. فرد بازداشت شده که رضوان نام دارد، باشنده صوبه سرحد پاکستان معرفی شده و به گفتهٔ خودش آموزش های تروریستی را در پاکستان فراگرفته و سپس به مقصد اجرای حملهٔ انتحاری به کابل آمده است.

انتحارکننده در تحقیقات اولیه گفته است در بدل این عمل وی برایش ۱۰۰۰۰ کلدار پاکستانی از جانب شخصی به نام ملاغنی از طراحان این حمله تادیه شده است. ادارهٔ امنیت ملی از ادامه تحقیقات بیشتر دراین مورد خبر داده است.

مقامات طالبان در قصر ریاست جمهوری

روزنامهٔ پیمان روزسه شنبه ۲۵ سرطان از قول منبعی که از گرفتن نامش خود داری کرده نوشته است که در روز های پسین سه تن از اعضای ارشد گروه طالبان در قصر ریاست جمهوری دیده شده اند. ادامه درص۵

در مجاهد اشتراک نمایید

بهای اشتراک سالانه:

در مرکز: ۲۰۰۰
در ولایات: ۲۵۰۰
در خارج از کشور: ۱۲۰$ امریکایی
مؤسسات و انجوهای داخل کشور: ۱۰۰$ امریکایی
شش ماهه: نصف قیمت
برای دانشجویان و دانش آموزان نصف قیمت